نسیم جنوب

www.nasimjonoub.com

سال بیست و پنجم – شماره ۱۰۲۲ شنبه ۳۰ مهر ۱۴۰۱ ۸ صفحه – ۲۰۰۰ تومان

(مبلغ فروش به کیوسک مطبوعاتی تعلق میگیرد)

چرا جامعه با وعده گفت‌وگو مجاب نمی‌شود؟

دکتر سجاد بهزادی

باید دختری می‌مرد!

دکتر سعید معدنی

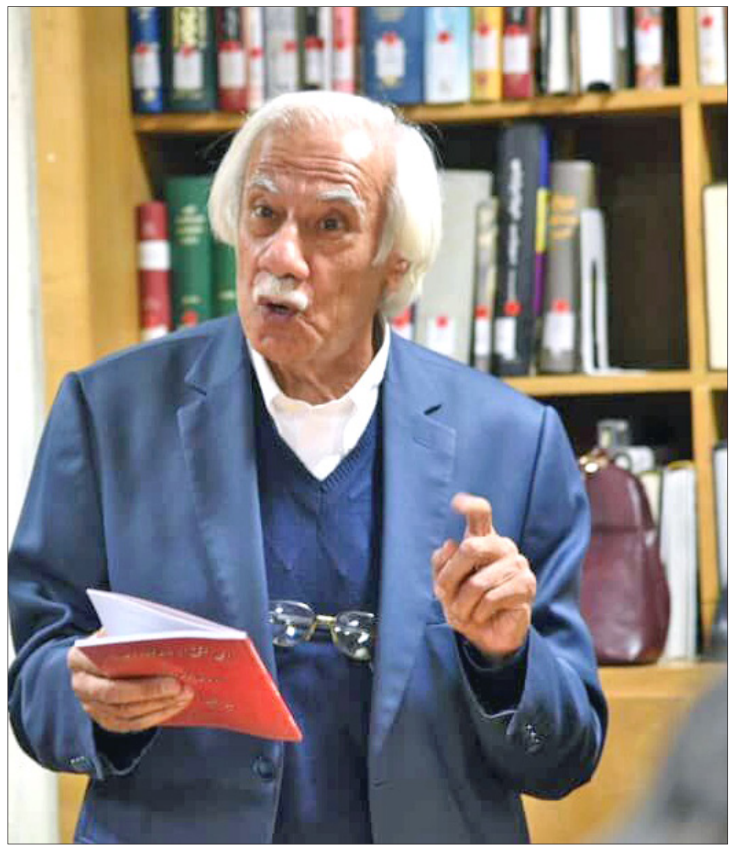
آزادی ۳ دانشجوی بازداشت شده در بوشهر

بدنبال تجمعات اعتراض آمیز در دانشگاه خلیج فارس بوشهر، ۳ نفر از دانشجویان بازداشت شدند. دو نفر از این دانشجویان ۲ روز و یک نفر نیز برای ساعاتی بازداشت شد که خبر میرسد هر سه نفر این دانشجویان آزاد شده اند. رئیس دانشگاه خلیج فارس در مصاحبه با ایرنا گفت که هیچ یک از این دانشجویان در فضای دانشگاه بازداشت نشده بودند و اکنون مشکلی برای حضور در دانشگاه ندارند.

تحلیلی بر اعتراضات سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰

وقوع اعتراضات در ایران نشانه چیست؟

مصاحبه نسیم جنوب با عبدالمجید زنگوئی شاعر و نویسنده بوشهری به مناسبت سالروز تولد:



پیوسته نگاه به جلو و آینده ای مترقی داشتیم

در آستانه ۸۵ سالگی به شدت مشغول پژوهش و نوشتن، به ویژه در حوزه شعر و ادب استان بوشهر هستم

کشف حقیقت را به رسانه‌ها بسپارید

این روزها نام چهره‌های فرهنگی، ورزشی و هنری بیش از حوزه‌های تخصصی خود در میان اخبار سیاسی و اجتماعی دیده و شنیده می‌شود. از زنان بازیگری که به قرار گرفتن تصویر خود در تابلویی در میدان مهم شهر انتقاد می‌کنند و برداشتن آن را خواستار می‌شوند تا بازیکنان سابق و کنونی فوتبال یا قهرمانان نامدار کشتی و دیگر رشته‌های ورزشی که با پست‌های مجازی خود، در قبال آنچه در خیابان‌ها و دانشگاه‌ها می‌گذرد، واکنش نشان می‌دهند و موضع می‌گیرند. موضع‌گیری‌هایی که با موضع‌گیری‌های متقابل سخنگویان و رسانه‌های تندروی مدافع وضع موجود مواجه شده است که بعضا کوشیده‌اند با تحقیر و توهین به اهالی هنر و فرهنگ و ورزش، در مقام رد و نفی نقدها و اعتراضات آنها برآیند. در این میان، پس از بیانات مقام‌رهبری درباره اعتراضات چهره‌های فرهنگی و ورزشی، به نظر می‌رسد نحوه مواجهه نهادهای مسئول با اعتراضات تاحدی منطقی‌تر شده است و به‌جای سخنگویان تندرو و بعضا ناسزاگو که کاری جز دوقطبی‌تر کردن فضا و افزایش خشم و عصبانیت طرف مقابل بلد نیستند؛ دستگاه‌های مسئول خود ورود کرده‌اند و به گفت‌وگو، تعامل و موضع‌گیری روی آورده‌اند. اقدام دیروز خبرگزاری قوه‌قضائیه را در قبال اظهارات و مواضع علی دایی، کاپیتان و سرمربی سابق تیم‌ملی فوتبال می‌توان در این چهارچوب ارزیابی کرد. این خبرگزاری، در پاسخ به اظهارات دایی مبنی بر ریخته شدن خون یک دختر دانش‌آموز در اردبیل، اسطوره فوتبال ایران را دعوت کرده که مستندات خود را برای کشف حقیقت ارائه دهد و در جهت روشن کردن ماجرا برآید. گرچه این مواجهه، با رعایت جایگاه

علی دایی صورت گرفته است؛ اما پرسشی جدی‌تر و مهم‌تر را پیش رو می‌نهد و آن، اینکه کشف حقیقت آیا کار دستگاه قضایی و اسطوره ورزشی است؟ پس نهادهای مدنی و رسانه‌های مستقل در این میان چه نقش و جایگاهی دارند؟ اگر قرار بر کشف حقیقت است، باید رسانه‌ها و روزنامه‌نگاران آزادی و امنیت فعالیت خبری و تهیه گزارش‌های دقیق تحقیقی و تحلیلی را داشته باشند. چه در ماجرای دختران و پسرانی که شبکه‌های ماهواره‌ای و توئیت‌پراکنان بی‌نام‌ونشان هر روز نام آنها را به‌عنوان کشته‌شدگان بیان می‌کنند و زمینه اعتراض و خشم بخشی از جامعه یا مناطق و استان‌های کشور را فراهم می‌سازند، چه در آتش‌سوزی زندان اوین که روزنامه‌نگاران مستقل نه‌تنها امکان تهیه خبر و گزارش از ماجرا را پیدا نکردند، که برخی از آنان به‌خاطر فعالیت رسانه‌ای قبلی خود، آن شب پرخطر را در سلول‌ها می‌گذرانند.

ماجرای دانش‌آموز اردبیلی هم، از این قاعده مستثنی نیست. نه علی دایی – با همه افتخاری که برای ایران کسب کرده و همه احترامی که ایرانیان برای او قائل هستند– «رسانه» است و نه دستگاه قضایی- با وجود مسئولیت‌ها و اختیاراتی که برای اعمال قانون برعهده دارد- می‌تواند جایگزین رسانه و روزنامه‌نگاران مستقل و محقق شود. اگر این نقد به چهره‌های ورزشی و فرهنگی و هنری مطرح می‌شود که چرا در نقش کنشگران سیاسی ظاهر می‌شوند؛ نقد جدی‌تر آن است که رسانه‌های مستقل و معتبر و نهادهای مدنی همچون کانون وکلا و انجمن‌های صنفی و حقوق‌بشری و احزاب را ناکارکرد کنیم و سپس از اسطوره‌هایی چون علی دایی گلایه و انتقاد کنیم که چرا در نقش آن نهادها ظاهر شده‌اند و همچون حزب یا رسانه کنشگری می‌کنند؟/ هم‌میهن

آثار گرانی لبنیات

رئیس پژوهشگاه علوم غدد و متابولیسم دانشگاه علوم‌پزشکی تهران می‌گوید، در جمعیت بالای ۶۰سال کشور، شیوع پوکی استخوان بیش از ۴۲درصد است: «این درحالی‌است که عدم دسترسی کافی به دستگاه تشخیص بیماری، سبب می‌شود تشخیص پوکی‌استخوان برای نزدیک ۶۸درصد کسانی که در معرض خطر هستند، انجام نشود.» افشین استوار ادامه داد: «آن‌چه مسلم است این است که گران‌شدن لبنیات و در دسترس نبودن شیر و مواد لبنی، مصرف آن را در سال‌های اخیر به شدت کاهش داده و این می‌تواند عاملی باشد که در آینده مشکل پوکی استخوان تشدید شود. موضوع مهم‌تر این است که در کشور ما جمعیت سالمندی به سرعت در حال افزایش است؛ بنابراین از آنجایی که پوکی‌استخوان مشکل دوره سالمندی است، تغذیه ناکافی در زمان جوانی و نوجوانی می‌تواند این مشکل سالمندی را تشدید کند.»

تحلیلی بر اعتراضات سال‌های ۱۳۹٦ تا ۱٤۰۰

وقوع اعتراضات در ایران نشانه چیست؟

آفتاب‌نیوز : یکی از انتقاداتی که جامعه علوم انسانی همواره با آن مواجهند، این است که مطالعات علوم انسانی و علوم اجتماعی در ایران، کاربردی ندارند و مطالعات پژوهشگران این حوزه با نیازهای جامعه هم‌راستا نیستند.

از ابتدای شروع اعتراضات اخیر که جرقه آن با مرگ مهسا امینی زده شد، سؤالی که وجود داشت، این بود که چرا اعتراضات به سرعت گسترده شدند و آیا پیش از این پژوهشگران و اساتید علوم انسانی و علوم اجتماعی هشدارهایی نسبت به این وضعیت داده بودند یا خیر؟

در این بررسی‌ها به یک پژوهش با عنوان «تحلیل اعتراضات صنفی – اجتماعی اخیر در ایران (۱۳۹۶-۱۴۰۰) از منظر نظریه سیاست خیابان» رسیدیم که توسط خلیل‌الله سردارنیا؛ استاد علوم سیاسی دانشگاه شیراز و هنگامه البرزی دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه شیراز انجام شده و بهار سال جاری در فصل‌نامه علمی پژوهش‌های راهبردی سیاست دانشگاه علامه طباطبائی منتشر شده است.

در این مقاله به اعتراضات سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ پرداخته شده و عنوان شده که این اعتراضات یکی از نقاط عطف مهم در تاریخچه اعتراضات صنفی ایران بوده‌اند. در این دوران اعتراض‌های پرشمار مال‌باختگان، کارگران، بازنشستگان، معلمان، کامیون‌داران و سایر اقشار، از این زمان شکل تازه‌ای به خود گرفت.

اعتراضات صنفی دی‌ماه ۱۳۹۶ در ایران، مجموعه‌ای از اعتراضات رهبری نشده و زنجیره‌ای بودند که از ۷ دی‌ماه ۱۳۹۶ از مشهد شروع شد و با ماهیتی اقتصادی علیه گرانی، فساد اقتصادی و میزان بیکاری به ۱۶۰ شهر ایران گسترش یافت.

این اعتراضات در سال ۹۷ نیز ادامه داشت. اعتراضات آبان ۱۳۹۸ ایران از مهم‌ترین و فراگیرترین اعتراضات در سراسر ایران پس از انقلاب بود که در واکنش به افزایش ۳۰۰ درصدی قیمت بنزین روی داد. این اعتراضات ابتدا نسبتاً مسالمت‌آمیز بود؛ اما به‌تدریج به یک شورش خشونت‌آمیز تبدیل شد. در بسیاری از شهرها ساختمان‌های دولتی، خودروها، خودروهای پلیس، بانک‌ها و بعضی از مغازه‌ها توسط معترضان تخریب و جریان عادی کسب‌وکار و آمدوشد مختل شد.

پس از آن، اعتراضات و اعتصاب‌های متعددی نیز در شرکت‌ها و ارگان‌های مختلف کشور شکل گرفت. به عنوان نمونه می‌توان به اعتراض کارگران پتروشیمی در شرکت‌های مختلف، اعتراض بازنشستگان، اعتراض به خشک شدن تالاب‌ها و خشکسالی به خصوص در خوزستان و ... در سال ۱۴۰۰ اشاره کرد.

با توجه به اهمیت این موضوع، پژوهشگران به بررسی این اعتراضات با استفاده از نظریه «سیاست خیابان» پرداختند.

در این مطالعه پژوهشگران ابتدا بر داده‌ها و نمونه‌های واقعی اجتماعی و صنفی تمرکز داشتند و خواسته‌ها و مطالبات معترضان را بررسی کردند و سپس به سراغ نظرات کارشناسان سیاسی اجتماعی و اقتصادی رفتند تا به این پرسش‌ها پاسخ دهند که شعارهای معترضان در اعتراضات دهه ۹۰ شمسی در ایران، چه ابعادی داشتند و مخاطب این شعارهای اعتراضی چه گروه و ارگانی بوده است؟

این پژوهشگران، برای تحلیل شعارها و مطالبات معترضان، شعارهای بیان‌شده آن‌ها را در اعتراضات خیابانی مستقیم و شعارهای نوشتاری روی پلاکاردها و صفحات مجازی و مصاحبه‌های آن‌ها را بررسی کردند. همچنین دیدگاه برخی کارشناسان راجع به ریشه‌های شکل‌گیری اعتراضات را از طریق ویدئوها، عکس‌ها، فایل‌های صوتی و متون درج‌شده در روزنامه‌ها، صفحات و شبکه‌های مجازی و سایت‌های معتبر خبری مورد تحلیل قرار دادند.



پژوهشگران علوم سیاسی دانشگاه شیراز با انجام پژوهش در مورد اعتراضات سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ در کشور می‌گویند که به طور کل وقوع این اعتراضات حاکی از مشکلاتی مانند وجود فقر و نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی بین اقشار مختلف جامعه و نادیده‌گرفته شدن بسیاری از مردم و وجود فساد اداری و اقتصادی در سطحی وسیع؛ تغییر سبک زندگی مردم جامعه ما به واسطه جهانی شدن و گسترش ارتباطات و بی‌اعتمادی مردم و اصناف به احزاب و نهادهای رسمی دولتی است.

در این مطالعه در مرحله اول، بیش از ۱۰۰ فیلم، عکس، متن مصاحبه و اظهارات معترضان و یا رهبران آن‌ها در فضای مجازی و رسانه‌ها گردآوری و بررسی شد و ۶ محور اقتصادی، سیاسی، اجتماعی – فرهنگی، حقوقی، زیست‌محیطی و انگیزشی در مورد مطالبات معترضان از بررسی شعارها استخراج شد. در بررسی‌های اولیه از تحلیل محتوای شعارها و مطالبات معترضان ۱۷۰ جمله کلیدی به دست آمده است که ۳۵.۶ درصد از آن‌ها اقتصادی، ۳۲.۱ درصد سیاسی، ۱۲.۳ درصد اجتماعی، ۱۰ درصد انگیزشی، ۵.۴ درصد زیست‌محیطی و ۴.۱ درصد حقوقی بودند.

در مرحله دوم این تحلیل به بررسی بیش از ۴۰ متن مصاحبه و دیدگاه‌های کارشناسان اقتصادی و اجتماعی و سیاسی در فضای مجازی و رسانه‌ها در مورد مطالبات معترضان پرداخته شد. در این مرحله نیز ۶ محور اصلی شناسایی شد که در برخی موارد تفاوت‌هایی با تحلیل قبلی داشتند. از دیدگاه کارشناسان، مطالبات معترضان در ۶ محور اصلی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، عامل توطئه و زیست‌محیطی بود.

تنها تفاوت دیدگاه معترضان و کارشناسان در مورد مطالبات این بود که نزد خود معترضان، عامل سیاسی نسبت به مقوله اجتماعی، اهمیت بیشتری پس از اقتصاد داشته است، ولی کارشناسان اهمیت عامل اجتماعی را بیشتر از مقوله سیاسی می‌دانند. همچنین کارشناسان به عامل ضعیف توطئه داخلی و خارجی نیز در شکل‌گیری و تشدید اعتراضات اشاره داشتند.

به گفته پژوهشگران این مطالعه؛ مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش آن است که این اعتراض‌ها به لحاظ ماهوی از نوع خودانگیخته، مستقیم در خیابان، بدون رهبر، نوآوری در تاکتیک مبارزاتی، بی‌اعتمادی به تشکل‌های صنفی و مدنی، مستمر و زنجیروار، ارتباطات افقی با اعتراض‌های مشابه و ... بوده‌اند.

تحلیل محتوای مطالبات و شعارهای معترضان و کارشناسان نشان می‌دهد که به ترتیب متغیرهای اقتصادی – معیشتی، سیاسی، اجتماعی، انگیزشی، محیط‌زیستی و حقوقی در این اعتراض‌ها تاثیرگذار بوده‌اند؛ اما متغیر اقتصادی و معیشتی بالاترین و بیشترین نقش را داشته است.

به گفته پژوهشگران این تحقیق؛ به طور کل وقوع این اعتراضات حاکی از وجود و ظهور چند مسئله اساسی در جامعه ماست:

– وجود فقر و نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی بین اقشار مختلف جامعه و نادیده‌گرفته شدن بسیاری از مردم و مشاغل و اصناف و وجود فساد اداری و اقتصادی در سطحی وسیع؛ تغییر سبک زندگی مردم جامعه ما به واسطه جهانی شدن و گسترش ارتباطات و تغییر ذائقه و عادات مردم (به تاثیر از نیازهای جدید، فضای مجازی با امکان آگاه شدن از شرایط سایر مردم در سایر جوامع و امکانات آن‌ها و از طرفی فراهم شدن امکان همبستگی مجازی و انتقال همان همبستگی به عرصه واقعی اجتماعی).

– بی‌اعتمادی مردم و اصناف به احزاب و نهادهای رسمی دولتی و تنها دیدن و بی‌یاور پنداشتن خود که این باعث شده مردم عادی خودشان را در خیابان فریاد بزنند. این محققان می‌گویند که در صورت عدم پاسخگویی به مطالبات مردم و نادیده‌گرفتن زمینه‌های اصلی اعتراضات، مشخص نیست که امواج بعدی اعتراضات در سطوح قبلی باقی بمانند یا شعله‌ور شوند. به همین دلیل مسئولان و تصمیم‌گیران در سطوح مختلف دولتی باید در سیاست‌گذاری‌ها و اجرای آن‌ها منافع و بالاخص خواسته‌های معیشتی مردم را در نظر بگیرند. چرا که دوباره یک جرقه کافی است تا همه معترضان با نگرش‌ها و اهداف متعدد و متنوع به خیابان‌ها بریزند.

پژوهشگران این تحقیق در راستای یافته‌های این مطالعه توصیه‌هایی را برای قشر تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز کشور ارائه کرده‌اند:

– انجام اصلاحات بنیادی و ساختاری به‌خصوص در بخش‌های مختلف اقتصادی مانند اصلاح نظام بانکی، بودجه، قیمت کالاها و حامل‌های انرژی؛ بازسازی اعتماد از دست‌رفته مردم از طریق کسب مجدد رضایت‌مندی اجتماعی که البته کار آسانی نخواهد بود. سخت‌تر و محدودتر نکردن زندگی مردم هم به لحاظ اقتصادی و هم به لحاظ اجتماعی، تا حدودی گام مثبتی برای جلب این اعتماد از دست رفته خواهد بود؛ ایجاد چشم‌انداز روشن و افق‌گشایی پیش چشم مردم، به‌خصوص جوانان می‌تواند حس امید به آینده و تحرک و انگیزه را در آن‌ها بیدار کند؛ بازبینی برنامه‌ها و طرح‌های اقتصادی به نفع طبقات پایین جامعه در راستای بهبود وضع معیشت آن‌ها؛ به رسمیت شناختن جنبش‌های اعتراضی معترضان و ایجاد فضای آزاد و باز سیاسی و مکانیسمی برای بیان اعتراضات.

دبیرکل مجمع ایثارگران در گفتگو با روزنامه آرمان:

صدای مردم، جوانان و خصوصا زنان را بشنویم و به خواسته‌های آنها اهمیت بدهیم

احزاب اصلاح‌طلب با ارسال نامه‌هایی به وزارت کشور خواستار برگزاری تجمع قانونی شدند که توجهی نشد و پس از آن به رئیس‌جمهور نامه نوشتند.

دبیرکل مجمع ایثارگران درباره سرنوشت درخواست احزاب گفت: اساسا در قانون اساسی بحث تجمعات و اعتراضات قانونی نیاز به مجوز ندارد. ولی در قانون گفته شده که احزاب هماهنگ کننده هستند و باید هماهنگی در این زمینه داشته باشند. با توجه به شرایط روز ما تقاضای تجمع کردیم. متأسفانه وزارت کشور هیچ‌گونه عکس‌العمل و پاسخ رسمی به این درخواست نداشته ولی مدیرکل سیاسی وزارت کشور از طریق رسانه‌ها یکسری صحبت‌هایی داشته که ربطی به این درخواست ندارد.

جواد امام افزود: در ادامه این مسیر، موضوع را از طریق آقای رئیسی، رئیس محترم جمهور، هم پیگیر شده‌ایم و این درخواست را مجددا داشته‌ایم.ولی مسلم این است که اساسا احزاب در ایران از جایگاه واقعی خودشان برخوردار نیستند و تمام آن چه که تا امروز شاهد هستیم، موانعی بر سر راه ضرورت وجود احزاب و فعالیت قانونی احزاب است؛ و این یکی از خلأهایی است که به جهت مسکوت ماندن اصولی از قانون اساسی دارد صورت می گیرد. امام در پاسخ به این سوال که بعد از حوادث اخیر رئیس قوه قضائیه و بعضی از شخصیت‌های سیاسی مثل یادگار حضرت امام بر بحث «گفت‌وگو» تأکید داشته‌اند. اگر احزاب قوی نداشته باشیم و به احزاب میدان ندهیم، این گفت‌وگو چه طور می‌تواند شکل بگیرد؟ گفت: به هر حال باید گروه‌های مرجعی وجود داشته باشند که از طریق این گروه‌های مرجع گفت‌وگو صورت بگیرد. متأسفانه گروه‌های مرجع را از دایره گفت‌وگو، تصمیم سازی به حاشیه رفته‌اند. این بحث گفت‌وگو یکی از ضعف‌هایی است که امروز جامعه ما با آن روبه‌رو هست. وی گفت: سال‌های قبل آقای خاتمی از همه دلسوزان درخواست کردند به گفت‌وگو بنشینیم و شرایط آشتی را فراهم کنیم تا از همه ظرفیت‌ها استفاده کنیم. فکر نکنیم دایره محدود تک‌صدایی می‌تواند توفیقاتی داشته باشد. امام اظهار داشت: خواهش من این است اجازه داده نشود که دشمنان ایران و ایرانی از این فضا بهره‌برداری کنند. می‌توانیم با دست مردم خودمان و با مشارکت مردم بر این بحران‌ها فائق بیاییم. باید هرچه سریع‌تر به گفت‌وگو بپردازیم، واقعیت‌ها را بپذیریم و صدای مردم، جوانان و خصوصا زنان را در این زمینه بیشتر بشنویم و به خواسته‌های آنها اهمیت بدهیم.

هفته نامه نسیم جنوب

شماره های تماس

۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹

۰۷۷- ۳۳۳۲۵۹۰۰

۰۷۷ - ۳۳۳۲۵۲۸۱

چرا جامعه با وعده گفت‌وگو مجاب نمی‌شود؟

دکتر سجاد بهزادی



رئیس قوه قضائیه به تازگی خطاب به منتقدین وضعیت کنونی گفته اند «سؤال، اعتراض، انتقاد یا ابهامی دارید بیایید با هم گفت‌وگو کنیم ».

سخن رئیس دستگاه قضا سخنی صواب است؛ اما پرسش مهم تر این است که چرا بخش مهمی از جامعه کنونی ایران، اساسا از «گفتگو» عبور کرده است و دیگر با وعده گفتگوی سیستم حکم رانی و مسئولان آن مجاب نمی شود؟

در پاسخ به این پرسش چهار مسئله می بایست مورد واکاوی دقیق و شفاف قرار گیرد.

یکم: جامعه ای که ابزار گفتگو در اختیار ندارد

رابرت فراست شاعر آمریکایی می گوید: «نیمی از مردم جهان کسانی هستند که چیزهایی برای گفتن دارند ولی قادر به بیان آن نیستند. و نیم دیگر کسانی که چیزی برای گفتن ندارند، اما همیشه در حال حرف زدن هستند.»

بخش مهمی از جامعه کنونی ایران، احساس می کند حرف های زیادی برای گفتن دارد اما کمتر شنیده می شود و یا جایی نیست که بدون دغدغه انتقاد و یا اعتراض خود را فریاد بزنند.

گفته می شود صداو سیما بیش از ۳۰ هزار کارمند دارد و درصد کلانی از بودجه مملکت در اختیار این سازمان است. به قول وزیر ارتباطات دولت دوازدهم «مجلس انقلابی این همه برای صداوسیما پول می‌پاشد و تنها در یک مورد با مصوبه این مجلس ۱۵۰۰ میلیارد تومان معادل ۵۰ درصد بودجه توسعه در وزارت ارتباطات برای فعالیت در فضای مجازی به صداوسیما اختصاص داده شد.» این مبلغ غیر از برداشتی است که صداوسیما از صندوق توسعه ملی دارد.

صداوسیما می توانست مهم ترین ابزار گفتگو در اختیار کسانی باشد که امروز با خشم و ناراحتی، از گفتگو عبور کردند و کف خیابان را برای مطالبات خود انتخاب نمودند.

دوم: نگرانی از سخن گفتن و ناامیدی از و ضعیت

ماهاتما گاندی رهبر سیاسی و معنوی هند می گوید: «اصلی بدیهی وجود دارد که اگر مانع حرف زدن کسی شوی او فریاد خواهد زد، اگر امید به آینده را از کسی بگیری او حال خود را هم به باد می‌سپارد.»

بسیاری از مردم ناامید و مضطرب هستند و خود را در آرامش نمی بینند و احساس می کنند بنای گفتگو و دیالوگ آنها با مسئولان بر مبنای عدالت و احترام نیست و امکان مطرح شدن عقاید وجود ندارد و می بایست تنها مطیع بود.

از دیدگاه این بخش از جامعه، اگر انتقاد و یا اعتراضی از آنها سر بزند خیلی زود در صف دشمن قرار می گیرند. جامعه وقتی برای سخن گفتن احساس نگرانی داشته باشد، امید به آینده را از دست می دهد.

سوم: حقیقت در پشت غبارها

ژان ژاک روسو فیلسوف بزرگ قرن هیجدهم می گوید: «گوش ندادن به حقیقت؛ حقیقت را تغییر نمی دهد.»

نمی توان جامعه را دعوت به گفتگو کرد اما درک درستی از مطالبات جامعه نداشت و ذائقه یک نسل را به رسمیت نشناخت.

امروز جامعه ایران با نسلی هم آمیخته شده است که ارزش های رسمی کشور را خیلی راحت به چالش می‌کشد وحقیقت نزد آنها چیز دیگری است. شرط گفتگو با این نسل مدارا است.

ما باید خود را مطلق ندانیم و بپذیریم که ممکن است حدی از حقیقت، نزد همان نسلی باشد که به ارزش های رسمی کشور بی اعتناء است.

چهار: گوش ندادن

وینستون چرچیل از رهبران برجسته سیاسی جهان و یکی از رهبران مهم قرن بیستم می گوید: «شهامت یعنی ایستادن و سخن گفتن. شهامت همچنین یعنی نشستن و گوش دادن.»

ما نه تنها گفتگو نمی کنیم، بلکه شنیدن های ما نیز بی کیفیت است. ما سکوت را برای شنیدن فرا نگرفتیم و تحمل سخن مخالف در ما هر روز ضعیف تر می شود.

برای این که سخن منتقد زودتر تمام شود و به او حمله کنیم بی تاب هستیم و در یک گفتگوی چند دقیقه ای، مدام سخن ها پاره می شود.

نمی دانیم که شهامت و قدرت در نشستن و گوش دادن هم هست و نباید فقط رگباری سخن گفت. بگذاریم منتقد ما لب بر شکایت باز کند. اینطور نباشد به قول آن شاعر عاشق پیشه:

آن قدر بوسیدمش تا خسته شد
غرق در بوسهٔ پیوسته شد
خواست لب بر شکایت باز کند
لب نهادم برلبش تا بسته شد



باید دختری می‌مرد!

دکتر سعید معدنی

به خاطر کندن گل سرخ ارّه آورده‌اید؟
چرا ارّه؟
فقط به گل سرخ بگویید: تو، هی تو
خودش می‌افتد و می‌میرد!
(بیژن نجدی)

محدودیت و محرومیت دختران و زنان در کشور ما بعضا حوادثی را برایشان رقم می زند که تاسف آور است. مرگ «دختر آبی» یکی از این حوادث تلخ چند دهه اخیر است. سحر خدایاری ۲۸ ساله موسوم به «دختر آبی» مثل بسیاری از ماها از خانواده ای سنتی و مذهبی برخاسته و در دو رشته تاپ دانشگاهی، کامپیوتر و زبان انگلیسی تحصیل کرده بود. از نظر تصمیم گیران



کشور او یک گناه داشت، عاشق فوتبال بود. دوست داشت مثل همه زنان دنیا به ورزشگاه برود و بازی تیم مورد علاقه‌اش را ببیند. اما به باور مسئولان جمهوری اسلامی چنین چیزی برای دختران امکان نداشت. لذا برخی از دختران با لباس مبدل و پسرانه به ورزشگاه می‌رفتند. در جریان مسابقات جام باشگاه های آسیا بین تیم‌های استقلال و العین امارات در اسفند سال ۱۳۹۷، او با پوشیدن کلاه گیس آبی و پالتو قصد ورود به ورزشگاه را داشت که در مقابل بازرسی بدنی، به مامور اعلام می کند دختر است، لذا دستگیر و دو روز در زندان قرچک بازداشت می‌شود. برای فردی که از خانواده سنتی و مذهبی است، این نوع بازداشت‌ها گران و سنگین تمام می شود. پس از آن وی چند دفعه‌ای برای دریافت موبایل و وسایل شخصی‌اش که توسط ماموران ضبط شده بود به دادگاه می‌رود. در یکی از این دفعات مسئول یا نامسئولی! به وی می گوید «به ۶ ماه زندان محکوم شده» و یا «در صورت محکومیت، ۶ ماه زندان خواهد داشت». (نقل قول‌ها متفاوت است).

در نهایت دختر آبی هوادار فوتبال این سرزمین، به خاطر فشارهای روانی در مقابل دادگاه خود سوزی می کند و پس از چند روز بستری در ۲۹ سالگی با بدرودی غم‌انگیز و دردناک به همراه هزاران آرزو می میرد.

مرگ او غوغایی در ایران و جهان به پا کرد. علاوه بر ورزشکاران و هنرمندان ایران و جهان، سیاستمداران هم دهان به اعتراض و تاسف گشودند. مرگ این دختر بحرانی چند هفته‌ای را برای ایران در سطح جهان رقم زد.

مهر ۱۳۹۸، برای بازی ایران و کامبوج با فشار و تهدید فیفا پای دختران به ورزشگاه باز می‌شود. اما دیگر دختر آبی در بین زنان علاقه مند به فوتبال نیست. اما هنوز در مسابقات داخلی و لیگ برتر زنان اجازه حضور ندارند. تا آن که در سال ۱۴۰۱ باز هم با فشار و اصرار و تهدید فیفا دختران طرفدار باشگاهها هم اجازه ورود به ورزشگاه را پیدا می کنند تا از نزدیک فوتبال را تماشا کنند. زنان و دختران راه یافته به سکوهای تماشاگران – از هر دو



تیم مهم پایتخت– به یاد دختر آبی گریستند و یاد و خاطره او را که در آتش تحجّر سوخت گرامی داشتند.

اگر درایت و واقع بینی و عقلانیتی در تصمیم گیران بود، قبل از ابرام و فشار بیگانگان خودمان زودتر زنان را به ورزشگاهها راه می‌دادیم و شاهد مرگ مظلومانه دختر آبی نبودیم.

باز هم مرگ دختری

گشت ارشاد در سالهای اخیر– با توجه به تغییرات اجتماعی و تغییر نسل ها– به باور بسیاری، حتی در نزد طیفی از اصولگرایان، به معضلی عظیم تبدیل شده بود. روزی نبود که جیغ و داد و التماس دختران نوجوان و جوان را در مقابل ماموران در کوی و برزن یا در داخل گوشی‌های موبایل نبینیم و نشنویم. حتی این اواخر نسل نوجوان به ماموران اهانت و فحاشی هم می کردند و ابهت و اعتبار افسران هم فرو می‌ریخت. همه می دانستند این شیوه‌ی مسلمان سازی نیست،

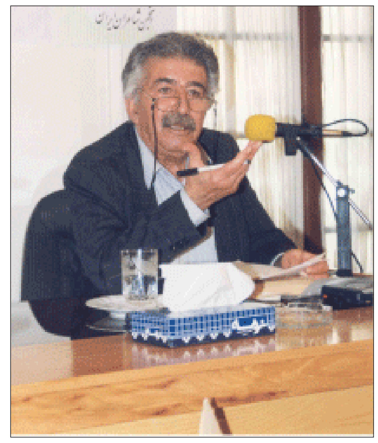
گر تو قران به این نمط خوانی
ببری حرمت مسلمانی

بسیاری از خیرخواهان گفتند و نوشتند که این شیوه ایمان‌آوری، دین گریزی را به بار می‌آورد . ولی باز نصایح را نپذیرفتند تا این که دختری شهرستانی، کورد و معصوم به دیدار دایی‌اش به تهران می‌آید. گشت ارشاد او را در مترو دستگیر می کند، او اصرار می کند من شهرستانی هستم و اینجا را بلد نیستم. آزادم کنید تا پی کارم بروم. اما ماموران گوش شنوایی ندارند. آنان نمی‌دانستند که با این دستگیری چه بحران و جنبش عظیمی را برای آینده‌ی ایران در نزد ایرانیان و جهانیان رقم می‌زنند. به عبارتی بازهم بی‌درایتی و پافشاری بر شیوه‌ی غلط و مردود، با مرگ دختری، بحرانی گسترده‌تر از ماجرای دختر آبی آفرید.

جوان‌مرگی مهسا امینی ۲۲ ساله، اهل سقز در بازداشتگاه گشت ارشاد آغازی بر آینده‌ی متفاوت و نامعلوم این سرزمین بوجود آورده است. یک ماهی است که کشور فشل شده، اقتصاد خوابیده، جهان با معترضان همراه است. با این وجود هنوز هم عده‌ای برهمان شیوه برخورد قدیم با مردم و به ویژه زنان تاکید دارند.

باز هم سوال همیشگی؛ چرا در دستگاه تصمیم گیری ما عقلانیت و تدبیر در مواجه با این مسائل وجود ندارد تا قبل از وقوع حوادث و فجایع بیاندیشد. اگر درایتی و عقلانیتی در سیستم وجود داشت و ابتکار عمل را در دست می‌گرفتند، نه سحرخدایاری- دختر آبی- معصومانه می‌مرد و نه مرگ مهسا امینی- ژینا- در بازداشتگاه رقم می‌خورد.

یادگاری
منوچهر آتشی



روزی که به میعاد نیامدی
به سایه‌ی تلخ این سدرِ کهنسال
نگران جهت‌ها نشدم
نه هیس هیس بیشه پریشانم کرد
نه مویه گزها
کله گرفته
از هجوم تشباد
رنگ برشته‌ی گندمزار
و بوی گرمسیری کُنار رسیده
غریزه بی‌قرارم را برتاباند
و اشتیاق کشمکشی از جگر
به پنجه‌ها شراره جهاند
چه کسی آمده است و کی به یاد می‌آورد؟
وسوسه بیهوده‌ای
هر از چندمان به سایه می‌کشاند
تا یاوگی افق‌ها را
آرایه‌ای از خیال برآویزیم
به سایه شیرین سدر
در بوی گرمسیری کُنارِ رسیده می‌پیچم
همین کافی است
و افق‌ها را به نیشخند زخمه می‌زنم
پس به خنجر سوزانی
تصویری حک می‌کنم به درخت
و کرکسی بر آن می‌گمارم
به رسم یادگاری.
...
دفتر گندم و گیلاس

درمدرسه ی چشم تو
عبدالمجید زنگویی

در مدرسه ی چشم تو شعرم فوران یافت
ازعشق سخن رفت و دلم راز نهان یافت
شیراز رخت بستر آیین هنر شد
گلبانگ نوایم به هوایت هیجان یافت
بی خود شدم از خویش و مراعشق به هم ریخت
وقتی نگهت دردل و جانم جریان یافت
مهرم به تو پیوسته شد ای گوهر پرارج
زانگه که دلی مرده زاعجاز تو جان یافت
تا لحن نکیسایی خود ساز نمودی
آوای من از ساز وجودت ضربان یافت
در پات گل افشان کنم اوراق بهاری
شعری که به دنیای ادیبان جولان یافت
خاموش و تهی ازهیجان بود زبانم
از شوق تو ذهنم شرر و علم بیان یافت
داروی نجاتم به کف حضرت عشق است
عشقی که زلطفش غزلم نام و نشان یافت

مصاحبه نسیم جنوب با عبدالمجید زنگوئی شاعر و نویسنده بوشهری به مناسبت سالروز تولد:

پیوسته نگاه به جلو و آینده ای مترقی داشتیم

در آستانه ۸۵ سالگی به شدت مشغول پژوهش و نوشتن، به ویژه در حوزه شعر و ادب استان بوشهر هستم

– لطفاً خودتان را برای خوانندگان نسیم جنوب معرفی کنید.

–عبدالمجید زنگویی، از پدر رضا و از مادر سکینه، هر دو زنگویی.

– در چه سالی متولد شدید، در چه مدارسی درس خواندید؟

–متولد ۱۹ آبان ۱۳۱۶ در بوشهر، دوران دبستان را در دبستان پهلوی گذراندم، و دوره ی دبیرستان را در دبیرستان سعادت بوشهر.

– حال و هوای مدارس و دانش آموزان در آن زمان چگونه بود؟

–در مدارس بین دانش آموزان، دوستی و صمیمیت حاکم بود، و در دوره ی دبستان، غیر از درس، به ورزش هم توجه خاصی داشتند. اما در دوره دبستان، فکر می کنم بیشتر دانش آموزان به مسائل سیاسی توجه نداشتند، حتی در دوره دبیرستان هم، بسیاری از دانش آموزان، نسبت به جریانات سیاسی، بی توجه بودند. فقط به درس و بعضی ها هم در کنار درس به ورزش هم اهمیت می دادند. بعضی ها تنها به درس می پرداختند، گروهی به ورزش، گروهی هم در کنار همه این ها، به جریانات و مسائل سیاسی هم توجه داشتند. به ویژه که زمانه چنین می طلبید و ارتباط دانش آموزان و محیط خارج، دانش آموز را به سمت جریانات سیاسی سوق می داد. بحث پیرامون مسائل سیاسی، خطری برای درس دانش آموزان ایجاد نمی کرد.

– دانش آموزان و همکلاسی های شما در آن زمان، چه اُفق رشد و پیشرفتی برای خودشان متصوّر بودند؟

– طبیعی بود که همه به فکر این بودند که پس از گرفتن دیپلم، وارد بازار کار شوند، ازدواج کنند و به طریقی تشکیل خانواده داده و سر و سامانی بگیرند. بعضی ها آرمان های بلند و دور و دراز داشتند؛ بعضی ها از همان دوران، آرزوی دبیر شدن و کارمند شدن و گروهی هم به فکر ورود به کار در بازار بودند. اما در مورد خودم، همیشه می گفتم تا لیسانس نگیرم، نه ازدواج می کنم و نه دنبال کار خواهم رفت. همیشه شغل دبیری مورد نظر من بود، که سرنوشت، مرا روانه دادگستری کرد. که البته از نظر حقوقی، بسیار بالاتر از آموزش و پرورش بود. اگر چه به دبیری علاقه مند بودم و همین عشق و علاقه بود که زمانی که در دادگستری آبادان به کار اشتغال داشتم، برنامه تدریس در دبیرستان های آبادن را هم داشتم. البته بسیاری از همکلاسان من، پس از گرفتن دیپلم، خیلی موفق بوده اند.

– آیا معلمانی هم بودند که انگیزه ی پیشرفت و رشد در دانش آموزان به وجود آورند؟

– بودند معلمان و دبیرانی خوش فکر و آینده نگر، که دانش آموزان را تشویق به ادامه تحصیل، یافتن شغل خوب، مطالعه کتاب و همراهی با مردم را می کردند. بودند معلمان و دبیرانی که پیوسته نگاه به جلو و آینده ای مترقی داشتند و دانش آموزان را در این راه تشویق می کردند.

– در چه سالی دیپلم گرفتید و بعد از آن چه کردید؟

– در خرداد سال ۳۷-۱۳۳۶ از دبیرستان سعادت بوشهر دیپلم گرفتم. در همان سال در کنکور دانشکده ادبیات دانشگاه شیراز، در دو رشته زبان انگلیسی و ادبیات فارسی شرکت کردم، و در حالی که اطمینان داشتم در هر دو رشته قبول می شوم؛ اما نام من در قبولی های رشته زبان انگلیسی نبود و وارد رشته زبان و ادبیات فارسی در دانشکده زبان و ادبیات دانشگاه شیراز شدم. در خرداد ۱۳۴۰ دانشکده را پشت سر گذاشته و همان سال، در آبان ماه ۱۳۴۰ وارد خدمت نظام وظیفه شدم. دوره ما، خدمت نظام برای افسران وظیفه ۱۸ ماه بود، که ۹ ماه آموزشی را در مرکز پیاده (محل باغ تخت شیراز) گذراندم و ۹ ماه افسری وظیفه را در سنندج، و در همه این سال ها، یعنی پس از گذراندن دوران دبستان و دبیرستان و دانشگاه و افسری وظیفه، با سید جعفر حمیدی، همیشه و همه جا با هم بودیم. در دوره دانشگاه، سه سال با هم هم اطاق بودیم و دوره افسری وظیفه در سنندج هم، باز در کوی افسران وظیفه و مجرد سنندج هم اتاق.

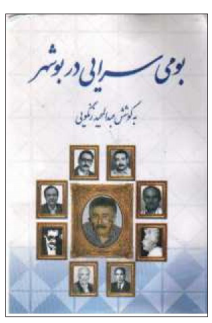
– فضای فرهنگی و ادبی- هنری بوشهر در آن سال ها چگونه بود؟

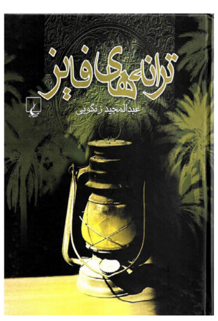
– تا آنجا که به یاد دارم، فضای فرهنگی و ادبی در



بوشهر و همچنین در دبیرستان سعادت، خوب بود. هفته نامه دیواری، بحث ها و رد و بدل شدن کتاب های خواندنی بین دانش آموزان (البته نه همه دانش آموزان، تعداد اندکی)، مطالعه کتاب های شعر. ناگفته نگذارم که، وجود شخصیت های ادبی و هنری نظیر منوچهر آتشی و محمدرضا نعمتی زاده در آن سال ها، در ایجاد علاقه و انگیزه ی روی آوری به ادبیات، فرصت بسیار خوبی بود برای این کار.

– آیا در آن زمان، زمینه برای نوجوانان و جوانان که علاقه مند به فعالیت های هنری بودند، در بوشهر فراهم بود؟





– زمینه برای نوجوانان و جوانان تا آنجا که به یاد دارم، کاملاً فراهم بود. از گرایش به ورزش گرفته تا تئاتر و دیگر حوزه های هنری فراهم بود. یکی علاقه مند به شعر بود، یکی به قصه نویسی، یکی به تئاتر و دیگری به ورزش؛ برای همه محیط فراهم بود. نتیجه ی آن هم می بینیم، شاعرانی مانند علی باباچاهی، سیدجعفر حمیدی، محمد بیابانی، ابوالقاسم ایرانی، حسن آرش نیا، محمد آذری، اسکندر احمدنیا، پرویز پروین و ده ها شاعر و نویسنده، و در حوزه ورزش هم که، جای خاص خود را دارد.

– چگونه با جریان های فرهنگی و ادبی و هنری که در کشور وجود داشت، ارتباط گرفته و از آن ها مطلع می شدید؟

–از طریق مطبوعات، رفت و آمد و ارتباط هنرمندان با هم، آمد و شد گروه های هنری، کتابهای منتشر شده؛ و البته بیش از همه، مجلات ادبی- هنری که آثار و نقد شاعران را به چاپ می رساندند.

– به نظرتان در رشد وضعیت شما بیشتر چه افراد و عواملی تأثیرگذار بودند؟

– بی تردید می توانم از زنده یادان محمدرضا نعمتی زاده و منوچهر آتشی، دو شاعر نام آشنای شهرمان را نام ببرم. یاد دارم زنده یاد نعمتی زاده، که شعرهای خود را برای اصلاح به نزدشان می بردم و مشوق خوبی هم بود، برای نخستین بار کتاب شعر محمد زهری با نام «جزیره» را در اختیارم گذاشت. و پس از آن، به تدریج با آثار دیگر نوپردازان آشنا شدم. و فکر می کنم این مربوط به زمانی است که من کلاس هشتم یا نهم، یعنی دوره های اول دبیرستان بودم. آتشی هم که جای خاص خود را دارد، که مستقیم یا غیرمستقیم معلم من بود.

– چه خاطراتی از فعالیت ها و فضای آن موقع دارید؟

– روزنامه های دیواری، سخنرانی های هفتگی در سالن دبیرستان سعادت، اجرای نمایش ها در همان سالن، آن هم توسط دانش آموزان صاحب ذوق و هنرمند، شعرخوانی در کلاس ها و در حضور دبیران ادبیات و تشویق آنان مانند آقایان محمد آل عصفور، و عبدالحمید رجبی بانیانی و اغلب دبیران دیگر، البته من در حوزه تئاتر نبودم، ولی در روزنامه دیواری، سخنرانی ها و شعرخوانی های سر کلاس و خارج از کلاس فعالیت داشتم.

– چه شد که به سمت نویسندگی و شاعری و تحقیق رفتید؟

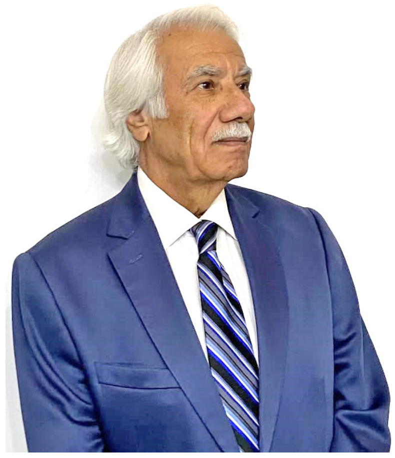
– از نوجوانی به ادبیات علاقه مند بودم، شعر و گاه کتاب می خواندم. پدرم تعدادی کتاب داشت که بیشتر مذهبی بودند، ولی من گاهی به سلیقه ی خودم از بین آنها، کتابی را انتخاب می کردم، و بویژه که بیشتر محتوای شعری داشتند، می خواندم و گاهی هم شعرها را حفظ می کردم. از دوره دبیرستان شروع کردم به سرودن شعرواره ها، هم به صورت غزل و هم در قالب نیمایی. به تدریج به تحقیق و پژوهش و نقد هم روی آوردم. و البته نقد و پژوهش مربوط به سال های بعد است، که از ترانه های فایز آغاز کردم و بعد شعر و دشتی و دشتستان که ادامه پیدا کرد و به اکنون رسیده ام.

– مشوقان شما چه کسانی بودند؟

– گاهی دبیرانی مانند آقایان محمد آل عصفور، و عبدالله شهابی، عبدالحمید رجبی بانیانی، ابطحی، که هم رئیس فرهنگ بود و هم مدتی در دبیرستان سعادت، کلاس چهارم ادبی هم تدریس می کرد؛ و البته محمدرضا نعمتی زاده و منوچهر آتشی بیش از دیگران، که گاه نزد آنان می آموختم و گاهی پدرم هم مرا تشویق به سرودن می کرد. و اگر بگویم بیشترین تأثیر را غیر از منوچهر آتشی، از مهدی اخوان ثالث (م. امید) پذیرفته ام، اغراق نیست؛ دو شاعر استاد و مورد علاقه ی من.

– چه مسیری را تاکنون در این حوزه طی کرده اید؟

– نوشتن حدود ۱۰۰مقاله پژوهشی- تحقیقی، و نقد، که اگر عمری باقی باشد، تصمیم دارم در یک مجموعه با عنوان «مجموعه مقالات» به چاپ برسانم. چندین کتاب به چاپ رساندم، شرکت در



جلسات متعدد شب های شعر در تهران و شیراز، نشست و تبادل نظر با شاعران و منتقدین و صاحب نظران، استفاده از نظر و دیدگاه منتقدین، بی آنکه احساس ناراحتی و کدورت به من دست دهد. مطالعه ی آثار متعدد شاعران اعم از کلاسیک یا نوپردازان؛ همه و همه در این روند و راستا باعث کسب تجربه برای من شده اند.

- چه توصیه و سفارشی به جوانانی که علاقه مند این حوزه ی فرهنگی هستند و قصد فعالیت را دارند، دارید؟

– توصیه ام این است که، چنانچه در زمینه ی شعر کار می کنند، در هر زمینه ای که باشد، از شعر کلاسیک شروع به مطالعه کنند، اگر چه شعر سپید بسرایند. از ریشه و بنیاد شعر پارسی آگاهی و اطلاع داشته باشند. برای نمونه بگویم که، احمد شاملو اگر چه شعر سپید را آغازگر شد و بنا نهاد، اما شعر کلاسیک را خوب می شناخت و مطالعه کرده بود، از رودکی به بعد همه را می شناخت و در انواع شعر کلاسیک خود تجربه کرده بود، تا نیمایی و سپید و تصحیح دیوان حافظ با مقدمه امروزی و خواندنی.

اگر چه امروز بیشتر تکیه بر تخیل و تصویرگرایی است، اما در کنار صنایع ادبی و شعری و بدیعی، تعهد و مردمی بودن شعر را نباید فراموش کرد. و توجه داشته باشند که به قول منوچهر آتشی، موضوع اصلی شعر، انسان و انسانیت و تعهد است. از کنار ناملایمات و ناهنجاری ها، بی تفاوت نگذرند، از ایهام به خوبی بهره برداری کنند و مقصود خود را بیان نمایند. همچنین از خواندن اشعار شاعران دهه سی و چهل از نیما یوشیج گرفته تا فریدون توللی، نادر نادرپور، مهدی اخوان ثالث، سهراب سپهری و ... تا امروزیان غفلت نکنند.

- چه کتاب هایی را از چه نویسندگان برای خوانندگان نسیم جنوب معرفی می کنید؟

–به قدری کتاب برای مطالعه زیاد و متنوع است، که در این بحث مختصر نمی گنجد و حافظه ام یاری نمی کند، که صدها کتاب یا کتاب های خاصی را معرفی کنم. از نویسندگان خودمان به اندازه ای کتاب قابل مطالعه داریم که یک عمر چندین ده ساله لازم است تا بتوان به خواندن آنها پرداخت.

اجازه دهید از هر نویسنده تنها یک اثر با سلیقه ی خودم معرفی کنم. محمدعلی جمال زاده (یکی بود یکی نبود)، صادق هدایت (حاجی آقا)، بزرگ علوی (چشم هایش)، صادق چوبک (تنگسیر)، احمد محمود (زمین سوخته)، دکتر غلامحسین صاعدی (عزاداران بَیَل)، دکتر عبدالحسین زرین کوب (دو قرن سکوت)، هوشنگ گلشیری (شازده احتجاب)، دکتر باستانی پاریزی (پیغمبر دزدان)، محمدعلی اسلامی ندوشن (ایران را از یاد نبریم)، سیمین دانشور (سووشون)، محمود دولت آبادی (جای خالی سلوچ)، رؤیا پیرزاد (چراغ ها را من خاموش می کنم)، عباس معروفی (سمفونی مردگان)، سیدیحیی یثربی (فلسفه خرافات)، علی دشتی (عقلا بر خلاف عقل)، جلال آل احمد (خسی در میقات)، احمد کسرایی (تاریخ مشروطه ایران)، محسن شریف (آس نحس)، منیرو روانی پور (کنیزو)، محمدرضا صفدری (سیاسنبو)، ابراهیم گلستان (شکار سایه)، رضا قاسمی (کسوف)، حسن آرش نیا (خون رزان) و ده ها نویسنده نام آور دیگر.

و اینک چند نویسنده ی خارجی را با یک اثر از آنان نام می برم: جک لندن (پاشنه ی آهنی)، جان اشتاین بک (ماه پنهان است)، مارک تواین (شاهزاده و گدا)، پرل باک (پر)، خاویر کرمونت (بی شعوری)، هرمان ملویل (موبی دیک)، جورج ارول (قلعه حیوانات)؛ و از دیگر جاها، بالزاک (بابا گوریو)، جان پل سارتر (دست های آلوده)، آلبر کامو (بیگانه)، چارلز دیکنز (دیوید کاپرفیلد)، ویکتور هوگو (بینوایان)، شیلر (ویل هلم تل)، سروانتس (دون کیشوت)، برتولت برشت (زندگی گالیله)، شکسپیر (هملت)، داستایوسکی (جنایت و مکافات)، تولستوی (جنگ و صلح)؛ ماکسیم گورکی (دانشکده های من)، نیکولای گوگل (نفوس مرده)، آنتوان چخوف (باغ آلبالو)، پوشکین (دختر سروان)، لرمانتوف (قهرمان عصر ما)، بوریس پوله وی (داستان یک انسان واقعی)، گابریل گارسیا مارکز (صد سال تنهایی).

- چند کتاب تاکنون از شما منتشر شده است؟

– تاکنون ۳۴ عنوان کتاب اعم از سروده ها و پژوهش از اینجانب به چاپ رسیده، که چون فرصتی نیست تا ۳۴ عنوان را نام ببرم، تنها به چند عنوان از آنها اکتفا می کنم. و این را اضافه کنم که سه عنوان هم آماده چاپ دارم، یکی با نام «آهنگ سربلندی» یکی هم با نام «از فیض فایز» که زندگی نامه و مصاحبه های اینجانب است با سیدقاسم یاحسینی، پژوهشگر پرکار، که کارش رو به پایان است. و دیگری، «گستره ای واژگان پیوندی در زبان پارسی»، کاری مشترک با دکتر سارا تربیت استاد دانشگاه. و اگر عمری باقی باشد، بر آنم تا تعداد کتاب هایم را به ۴۰ عنوان برسانم.

و اینک نام تعدادی از آثار چاپ شده ی اینجانب: مجموعه شعر دشتی و دشتستان و تنگستان (در ۷ دفتر)، نگاهی تازه به دریا (در ۳ دفتر)، و ۱۲ دفتر شعر به این ترتیب: شب قطبی، پیکی برای صلح، پا به پای قاف، از قبیله عیاران، عاشقانه ها و رموز، از بانگ سروش، همیشه عاشق و سرمست، آهسته به گوش گل، گلواژه ی تر، ای عشق چه جان ها که بدادی بر باد و خانه پیدا نیست.

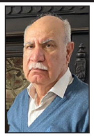
- در حال حاضر چه می کنید؟

– می خوانم و می نویسم، بی کار نیستم. و نمی گذارم که وقتم بیهوده تلف شود. به شدت مشغول پژوهش و نوشتن، به ویژه در حوزه شعر و ادب استان بوشهر هستم. هفته ای ۲ تا ۳ بار هم در جلسات شعرخوانی در شیراز شرکت می کنم. روی هم رفته، در این پیرانه سر و در آستانه ی ۸۵ سالگی بیکار نیستم و نمی گذارم که بیکار بمانم. سعی می کنم به هر نحوی خود را مشغول کنم. در ضمن، انتشارات لیان هم کماکان فعال است و آماده همکاری برای چاپ آثار دوستان.

-سخن پایانی؟

– توصیه ام به جوانان عزیز این است که، وقت خود را به بطالت و در بیهودگی نگذرانند، بخوانند و بخوانند. کتاب بهترین دوست انسان ها است، و از کتاب و مطالعه فاصله نگیرند و به فضای مجازی اکتفا نکنند. بکوشند که دوست یاب باشند و در یک دنیای علمی زیست کنند. از خرافات دوری گزینند و با واقعیات علمی زندگی را بگذرانند. تلاش کنند که سطح آگاهی خود را در هر زمینه بالا ببرند. بویژه این که تاریخ بخوانند تا هر چه بیشتر با فرهنگ و اوضاع اجتماعی دیرینه ایران آشنا شوند.

در پایان، از روزنامه وزین نسیم جنوب، که این فرصت را در اختیار من گذاشتند، سپاسگزاری میکنم. با آرزوی توفیق روز افزون برای این روزنامه و ملت بزرگوار ایران زمین.



در نکوداشت محمدعلی گمرکچی پیشکسوت فرهنگی بوشهر

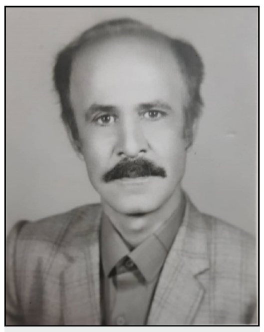
اولین روز رفتن به مدرسه بوذرجمهری

به کوشش غلامرضا شریفی خواه

در سال ۱۳۲۹ خورشیدی بود که پدرم مرا برای کلاس اول در مدرسه بوذرجمهری که برگرفته از نام بزرگمهر که وزیر و حکیم دوره ساسانی بود، اسم نویسی کرد و این مدرسه قدیم در آخر خیابان شاپور (لیان) امروز واقع بود که سر در آن ضلع غربی شهر بوشهر در کنار خیابان پهلوی (معلم کنونی) و بچه ها تا کلاس نهم در این مکان تحصیل می کردند و سه کلاس دیگر هم برای اخذ مدرک دیپلم وارد مدرسه سعادت می شدند.

بنای ساختمان مدرسه که سبک قدیمی و زیبایی داشت و در کنار درب ورودی بزرگ آن اتاق های آقای مدیر که محمد دوانی و ناظم آقای علی فروتن که مسئولیت مدرسه را بر عهده داشتند و دیگر کلاس ها به طور ردیف و پشت سر هم تا آخر ادامه داشت. مدرسه ای که دارای کلاس های وسیع و سقف آن از تیر چوب چندلی و درب ها و پنجره ها چوبی از جنس ساج و مشبک شیشه ای و در دو طرف کلاس ها راهروهای عریض و بزرگ و در قسمت شمالی آب انباری برای آب آشامیدنی بچه ها بود.

در روز اول مهر روز بازگشایی، رفتن بچه های کلاس اول به مدرسه مانند امروز نبود. یا خودشان می رفتند و یا با برادر و خواهرشان، و خانواده ها از نظر وسع مالی که داشتند لوازم مدرسه و لباسی برای فرزندشان می خریدند و من لباس هایم شامل پیراهن یقه پهن و باز و شلوار دو بنده (بریسی) و کفش پلاستیکی بود، پوشیدم و با پای پیاده با برادر بزرگم راهی مدرسه شدم.



محمدعلی گمرکچی،
معلم مدرسه بوذرجمهری

راهمان از خانه به طرف شمال بلوار دهقان که پشت گمرک قرار داشت و سپس مستقیم به طرف دروازه شهر می شدیم و از خیابان شاپور قدیم عبور کرده و به مدرسه می رسیدیم و روز بازگشایی مدرسه بدون مراسم و معلم هر کلاس دانش آموزان خود را به کلاس هدایت می کرد.

آقای محمدعلی گمرکچی معلمی که نام آشنا برای مردم شهر بوشهر بود و از ابتدای استخدام در این پایه کلاس اول تدریس می کرد و ایشان سبک خاصی برای ترغیب بچه ها برای تعلم و تربیت داشت. لوازم التحریر ما دفتر بیست برگی و جعبه مداد رنگی شش تایی و مداد سوسمار نشان و پاک کن و مداد تراش که در کیسه ای با همراه کتاب ها گذاشته و با خود به مدرسه می بردیم. برای خواندن کتاب فارسی، اولین درس «دارا – آذر» بود و در زیرنویس در خطوط التحریر درس حروف مربوط به کلمات درس نوشته شده و آقای معلم برای تدریس با خط کش بلندی که داشت خط هایی در تخته سیاه با گچ می کشید و کلمات درس به طور خوانا و با رعایت خط زمینه می نوشت و بچه ها همراه با آموزگار، خواندن را شروع می کردند و سپس مشق و یا تکلیف در دفتری می نوشتیم و دانش آموزانی که توانایی نوشتن را نداشتند، معلم عزیز حروف را نقطه چینی می کرد تا روی آن تمرین کنند و همیشه برایمان در کلاس شعرهای شاد کودکانه می خواند و قصه هایی با بیان شیرین و خوش تعریف می کرد و این ها انگیزه ای می شد که علاقه به درس و مدرسه داشته باشیم. دانش آموزان اواسط دهه سی آن زمان، هنوز در خاطرشان آن شعرها و قصه ها هست و برای دیگران تعریف و یا می خوانند و یادی از آن دوران می کنند.



محمد دوانی مدیر و معلمان مدرسه بوذرجمهری

معلم مهربان در امر تدریس بسیار جدی بود و بچه ها را خیلی دوست داشت و برای یادگیری بیش تر موضوعات خارج از کتاب هم به وسیله آزمایش یاد می داد. در کلاس ما به جای کمد آموزگار، یک صندوق چوبی سیاه رنگ بود که در آن لوازم آموزشی گذاشته می شد و یکی یا دو تا دانش آموز مستمع آزاد روی آن می نشستند. این بچه ها برای آشنایی به درس و کلاس و مدرسه می آمدند و امتحان درسی از آنها گرفته نمی شد.

در آن سال هنوز تغذیه رایگان در مدارس اجرایی نشده بود، به همین جهت مادرم مقداری نخودچی کشمش می گذاشت و اگر خوردنی نداشتیم در راه مدرسه به کماچ پزی عمو محمد گرمسیری کنار مسجد پیرزن (فاطمه زهرا) می رفتم و تکه ای کماچ و یا تعدادی کماچ قلمی خشک می خریدم و ایشان بعضی وقت ها هم محبت می کرد و از بچه های مدرسه پولی دریافت نمی کرد.

زنگ سرود هم در برنامه هفتگی داشتنم که معلمان شعرهای کتاب فارسی و خارج از کتاب را انتخاب و ما به صورت دسته جمعی همخوانی می کردیم. رفتن به مدرسه و وارد شدن به محیط جدید برایمان لذت بخش بود و دیگر پرسه زدن های بیهوده در کوچه و محل کمتر می شد. صبح و بعدازظهر مدارس باز ولی بعد از ظهر پنج شنبه تعطیل می کردند و در صف صبحگاهی ناظم مدرسه به ناخن ها و موی سر بچه ها نگاه می کرد و از طرف اداره بهداری (بهداشت) هم برای معاینه بیماری تراخمی چشم و کچلی می آمدند و این مدرسه با حیاط بزرگ و قرار گرفتن در مرکز شهر حرکات نمایشی پهلوانی هم انجام می شد. کسانی مانند سیروس قهرمانی و خلیل عقاب که با استقبال خوب مردم شهر رو به رو می شد و در حیاط و بالای دیوارهای مدرسه مملو از جمعیت بود.

معلم مهربان و دلسوز فعالیت های دیگری هم برای بچه ها هم انجام می داد و دانش آموزان کلاس ها به طور گروهی در مناطق بیرون شهر در آغوش طبیعت می برد و در گردش علمی شرکت می داد و ایشان علاقمند به گل و گیاه داشت و در محیط مدرسه در باغچه ها، گل های زیبایی با یاری و کمک دانش آموزان می کاشت و به زیبایی مدرسه اهمیت می داد و هیمشه سعی داشت که در برنامه دورهمی اقوام و خویشاوندان پیشقدم باشد و باعث شادی و نشاط در این مجالس بود. باید گفت معلم کلمه زیبایی است سرشار از محبت و اگر این واژه ارزشمند را بخش کنیم اولش محبت و آخرش هم محبت می باشد و حالا این عزیز دل، معلم گرامی در کنار خانواده محترم شان در شهر شیراز زندگی می کند و ما که افتخار شاگردیش را داشتیم آرزو می کنیم که همیشه سلامت و تندرست باشند.

خسته نباشید! فیلترینگ شما دکان ۹ میلیون ایرانی را تخته که کرد



عصر ایران؛ مصطفی داننده- این روزها آمارها نشان می‌دهد که وضعیت کسب و کارهای اینترنتی در ایران نه تنها حسابی کساد است که نفس‌هایش به شماره افتاده. فیلتر کردن اینستاگرام برای میلیون‌ها نفری که کسب و کار مجازی داشتند، مثل پایین کشیدن کرکره‌های مغازه حقیقی بود. حالا هر صبح که بیدار می‌شوند چشم‌شان به کرکره های کشیده مجازی است و دعا می کنند که محدودیت اینترنت کی سر می‌آید تا پلمب از ویترین مغازه شان بردارند، تابلوی «باز است» را بچرخانند سمت بیرون و رزق و روزی حلالشان را از سر بگیرند.

البته درد آنها امروز فقط فیلترشدن مقطعی به دلایل «امنیتی» نیست و از آن می‌ترسند که برخی آقایان در مجلس و دولت، بالاخره حرفشان را به کرسی بنشانند و طرح صیانت را اجرایی کنند و دکان اینستاگرامی شان برای همیشه بسته شود.

طراحان طرح صیانت فکر می‌کنند با چشم بر هم زدنی می‌توان شبکه اجتماعی داخلی را جایگزین اینستاگرام و واتس‌آپ و تلگرام کرد. البته این باور داشتن به این فرضیه از آنها بعید نیست. تصمیم‌سازان فضای مجازی کم‌ترین شناخت را نسبت به این فضا دارند. آنها مکانیکی فکر می‌کنند فضای مجازی ماشینی است که می‌شود موتور آن را حین حرکت «یهویی» عوض کرد بی آن که مسافرانش حس کنند تغییری روی داده و همچنان با سرعت مطمئنه در حرکتند و سر وقت هم به کسب و کارشان می رسند.

تصمیم سازی این آقایان شده است مثل کسانی که جاده‌ای آسفالت را که سال هاست مسیر عبور حمل و نقل عمومی است به خاطر دست اندازهای کوچکش یک شبه مسدود کنند و بگویند که از جاده ای که می‌سازیم بروید. جاده ای که نه به دار است نه به بار. کوره راهی است تک بانده برای خیل عظیم رفت و آمد روزانه همگانی.

آشِ عدم شناخت و درک درست از شرایط کشور آن قدر شور شده که لیائی، معاون وزیر ارتباطات و مدیرعامل شرکت پست می‌گوید: «اختلال اینترنت در دو هفته گذشته و فیلتر پلتفرم‌های اینستاگرام و واتس‌اپ، درآمد شرکت پست را یک سوم کاهش داده است.»

کاش آقایان بالاخره فهمیده بودند که با حلوا حلوا کردن دهان شیرین نمی‌شود. مگر نه این که وقتی تلگرام را فیلتر کردند، دم از پیام‌رسان‌های داخلی زدند؟ سرنوشت آنها چه شد؟ پیام رسان‌های داخلی مانند دریاچه‌های مصنوعی بعد از چند روزِ آفتابی با کمبود آب مواجه شدند و کم کم خشکیدند. همین عدم پیش بینی و انتظار صحیح باعث شد بسیاری از شخصیت‌ها و نهادهایی که از مهم‌ترین حامیان مسدود شدن تلگرام بودند، دوباره و این بار با فیلتر شکن به تلگرام برگردند. پیام رسان‌های داخلی که هنوز اندر خم یک کوچه هستند. بودن آنها الان هیچ فرقی با نبودنشان ندارد. یعنی همه آن بودجه های هنگفت بر باد رفته است، بدون این که کسی پاسخگو باشد. البته چندان بی نتیجه هم نبود و اگر برای ملت آب نداشت برای فیلترفروشان نان داشت.

امروز شاید نتوانستیم هر ایرانی را خانه دار یا ماشین دار کنیم اما با یک تصمیم به سادگی به گوشی هر ایرانی یک فیلترشکن افزودیم. افزاری که در دنیا برای دور زدن قانون و رفتن به دنیای خلافکاران و سوء استفاده کنندگان جنسی و مالی و فرهنگی استفاده می شود. حالا به لطف مدیران فضای مجازی، هر فرد ایرانی، از بچه دبستانی تا پیرمرد بازنشسته در گوشی‌شان فیلتر شکن دارند. و همه می‌دانیم که داشتن فیلتر شکن در گوشی کودک و نوجوان - یعنی برداشتن تمام موانع و محدودیت های دسترسی به انواع سایت های خطرناک و غیر اخلاقی- چه پیامدهایی به دنبال دارد.

تصمیم‌هایی که تنها از سر لجبازی و ناآگاهی است، هیچ کمکی به کشور و آینده آن نمی‌کند و تنها به عصبیت موجود در جامعه دامن می زند. خلاصه آن که حداقل ۹ میلیون ایرانی، بیش از سه هفته است معیشت‌شان لَنگ مسدود بودن اینستاگرام است. بهتر است هرچه زودتر فکری به حال آنها بکنیم تا وضعیت بیشتر از این درام نشده است.

جامعهٔ متکثر؛ شهروندان متمایز

محمدباقر تاج الدین

واقعیت مسلّم و آشکار این است که جامعهٔ ایران طی دهه های اخیر به دلیل ورود به جهان مدرن رفته رفته به جامعه ای متکثر و افراد چنین جامعه ای هم به شهروندانی متمایز بدل شده اند. جامعهٔ ایران حالا دیگر جامعه ای یک دست و یکپارچه و دارای همسانی و تشابه جهان سنتی نیست. لذا این که سیاستگذاران و تصمیم سازان همواره از جامعه ای یک دست و یکپارچه و شهروندانی به مثابه ملتی واحد سخن می گویند البته سخنی نادرست و ناروا بوده و شناخت اشتباه و سطحی خود از جامعه و شهروندان اَش را برملا می کنند!!!



متکثر شدن جامعه و به تَبَع آن متمایز شدن شهروندان حکایت از امَر مهم و بنیادین دیگری دارد و آن متکثر و متنوع شدن خواسته ها و نیازهای شان از یک سو و پیچیدگی و عمق و گسترهٔ خواسته های شان از سوی دیگر است. به ویژه نسل جدید که دچار فردگرایی و استقلال در تفکر و اندیشه و در پیش گرفتن سبک و شیوهٔ زندگی جدید هم شده اند. نادیده گرفتن این نیازها و خواسته ها و ندیدن تحولات و تغییرات ایجاد شده در جامعه نوعی ساده سازی و تقلیل گرایی موضوع است که نتایج بسیار زیان باری برای جامعه و شهروندان در پی خواهد داشت!!

ضمن این که ندیدن و نشناختن تکثر و تمایز جامعه و شهروندان سبب ساز ارائهٔ تحلیل های کاملا غلط و بی پایه و اساس از سوی سیاستگذاران و در مواردی حتی برخی تحلیل گران جامعه هم شده است. فروکاستن انبوهی از خواسته ها، نیازها و مطالبات شهروندان جامعه به برخی خواسته های سطحی از یک سو و ساده انگاری و ساده سازی این مطالبات نه تنها گره ای از مشکلات و مسائل موجود جامعه نمی گشاید بلکه سبب کورتر شدن این گره ها و در نتیجه بحرانی شدن وضعیت می شود. از سوی دیگر تکثر جامعه و تمایز شهروندان نیازمند ارائهٔ نسخه های متکثر و متنوعی است تا بتوان به این تکثرات و تنوعات پاسخ های منطقی و قابل قبول داد. لذا با یک نسخهٔ واحد، قدیمی، از پیش تعیین شده و کلیشه ای به هیچ وجه نمی توان انبوهی از خواسته ها و مطالبات بسیار متکثر و متنوع شهروندان و جامعه را پوشش داد و انتظار داشت رضایت اجتماعی حاصل شود. برای مثال دانش آموزان به مثابه نسل جدید دارای نیازها و خواسته های منطبق با تحولات و تغییرات بسیار شتابان، گسترده و عمیق جهان مدرن هستند که نظام آموزش و پرورش فعلی با دیدگاه های تنگ نظرانه و ناکارآمد و ارائهٔ نسخه های محدود، گذشته نگرانه و ایدئولوژیک به هیچ وجه توان پاسخ گویی به نیازهای آنان را ندارد!!

بر این اساس گروه های اجتماعی گوناگون جامعه مانند زنان، نوجوانان، جوانان، سالمندان، بازنشستگان، کارگران، ورزشکاران، هنرمندان، دانش آموزان، دانشجویان، معلمان، استادان، کارمندان، پزشکان، پرستاران، پیراپزشکان، مهندسان، بازاریان، بازرگانان، نویسندگان و نخبگان هرکدام بنا به شرایط روحی و روانی از یک سو و وضعیت اجتماعی و فرهنگی از سوی دیگر طیف وسیع و عمیقی از انواع نیازها، خواسته ها و مطالبات را با خود دارند که فقط با استفاده از سیاستگذاری ها و برنامه ریزی های بسیار دقیق، علمی و منطقی و همچنین در اختیار داشتن نهادها و سازمان های قدرتمند، روزآمد و کارآمد امکان پاسخ گویی به آنان میسر و ممکن خواهد بود.

در جهان امروزین نیازها و مطالبات شهروندان فهرست بسیار طولانی و بلندی دارد که برخی از مهم ترین شان عبارتند از: آزادی های اجتماعی و مدنی، برابری اجتماعی، سلامت اجتماعی، کیفیت زندگی، مشارکت های اجتماعی و سیاسی، رضایت اجتماعی، سرمایهٔ اجتماعی، حقوق شهروندی، رفاه اجتماعی، مدارای اجتماعی، احترام اجتماعی، امنیت اجتماعی، حمایت اجتماعی، امید اجتماعی، نشاط اجتماعی، فراغت اجتماعی، پاسخ گویی نهادها و سازمان های دولتی، وجود جامعهٔ مدنی قوی و فعال و برخی موراد مشابه دیگر.

نتیجه این که برآورده نمودن این مطالبات و نیازهای گسترده، متنوع و متکثر تنها با به کارگیری عقلانیت، دانش های روز، نیروهای متخصص، مشورت نخبگان و اندیشمندان، ساختاری چابک، کارآمد و روزآمد، کنار نهادن نگاه های ایدئولوژیک، سطحی و سیاست زده، سیاستگذاری های اجتماع محور، برنامه ریزی های جامع و پیش رو، دخالت دادن تمامی گروه ها و نیروها و علایق و سلایق امکان پذیر خواهد بود.

کانال سخنرانی ها

۷۰ درصد از صیادان توان پرداخت حق بیمه را ندارند

مدیرعامل اتحادیه‌ی سراسری تعاونی‌های صیادی ایران گفت: صیادان در حال حاضر همان ۲۷درصد کامل را پرداخت می کنند که این مبلغ بیمه برای صیادان بسیار سنگین است.

- امروز چیزی حدود ۷۰درصد از صیادان توان پرداخت حق بیمه خود را ندارند و نمی‌توانند از مزایای بیمه بهره‌مند شوند.

- رودخانه‌ها شاهرگ اصلی دریا هستند و به جز ماهی کفال و کیلکا سایر ماهی‌ها باید در آب شیرین تخم‌ریزی کنند، اما متأسفانه با توجه به سدهایی که در بالادست‌ها زده شده است رودخانه‌ها کم آب شده‌اند، علاوه بر این که مشکل خشکسالی هم وجود دارد و در کنار همه‌ی این ها، مشکلات معیشتی سبب شده عده‌ی بسیاری به کار صید روی بیاورند. همه‌ی این ها باعث کاهش ذخایر دریا شده است./ ایلنا

انتقاد روزنامه اطلاعات از توقف مذاکرات در دولت رئیسی:

چشم انداز کنونی تیره‌تر شده است

روزنامه اطلاعات نوشت:

در پایان کار دولت سابق گامهای خوبی در باره برجام برداشته شده بود و به نظر می‌رسید اکنون هم با مقداری دقت و واقع گرایی در گفتگو و معامله، هم می‌توانیم منافع مذکور را به دست آوریم و هم به تثبیت هژمونیک یا برتری مواضع و موقعیت کشور اهتمام ورزیم.

اگر نه، حداقل می‌توان بخشی از مشکلات و نیازهای داخلی را برطرف کنیم و مقداری از سرمایه‌های مسدود شده در کشورهایی چون کره‌جنوبی و چین را به داخل منتقل کنیم.

چشم انداز کنونی در مناسبات ما با آمریکا و غرب، نسبت به سابق، هم تیره‌تر شده و هم از ابهام و پیچیدگی بیشتری برخوردار است.

٦٢ درصد از زنان دانشجو: میل به مهاجرت‌مان به وضعیت کلی کشور بستگی دارد

- درواقع ۶۲ درصد از زنان در پاسخ به سوال «میل به مهاجرت‌تان تا چه میزان به وضعیت کلی کشور بستگی دارد»، گزینه‌ی بسیار زیاد را انتخاب کردند.

- از پرسشنامه بررسی میل و تصمیم به مهاجرت در میان بیش از ۲۰۰۰ دانشجوی ایرانی. بهار ۱۴۰۰

-۸۰ درصد دانشجویان و فارغ التحصیلان میل به مهاجرت خود را ناشی از عوامل بیرونی و شرایط کلی کشور می دانند و تنها ۷ درصد افراد شرایط کلی کشور را دارای تاثیر کم و بسیار کم بر میل به مهاجرت خود می دانند.

- در مقابل تنها ۳۸ درصد افراد تاثیر انگیزه‌های شخصی بر میل به مهاجرت خود را زیاد و بسیار زیاد ارزیابی می کنند.

-در تاثیر عوامل بیرونی بر میل به مهاجرت دانشجویان و فارغ‌التحصیلان، نکته قابل توجه تاثیر بیشتر این عامل در میان زنان است. به عبارت دیگر زنان در مقایسه با مردان تاثیر عوامل بیرونی بر میل به مهاجرت زیاد و بسیار زیاد خود را حدودا ۶ درصد بیشتر ارزیابی نموده‌اند./ رصدخانه مهاجرت ایران

کسب‌وکارهای خرد و خانگی مهمترین متضرران قطع اینترنت/ تعدیل نیرو آغاز شده است

رضا الفت‌نسب، عضو هیات مدیره اتحادیه کسب و کارهای اینترنتی:

–تصوری در برخی از سیاستگذاران وجود دارد که حس می کنند برخی از روی شکم‌سیری و داشتن پول زیاد دست به فروش محصول در اینستاگرام و فضای مجازی می‌زنند این در حالی است که معیشت این افراد از این طریق تامین می‌شود و فعالیت این افراد نزدیک به صفر است.

–ما با ابهام گسترده و ویژه‌ای روبرو هستیم که قدرت برنامه‌ریزی را از ما سلب می کند. قبل از این که وارد این شرایط امنیتی بشویم، موضوع طرح صیانت مطرح شد و همان زمان ابهامی در میان سرمایه‌گذاران پدید آمد که سبب شد ورود سرمایه به این حوزه با اختلال و توقف روبرو شود.

–مساله اساسی برای یک سرمایه‌گذار و صاحب کسب و کار این است که بداند بعد از این محدودیت‌ها قرار است چه اتفاقی رخ بدهد و اگر بعد از آن نیز این فضا تداوم پیدا کند، چه باید کرد؟

–به ما توصیه می کنند که کسب و کارتان را روی پلتفرم داخلی ببرید این در حالی است که مساله ما کوچ از این فضا به فضایی دیگر نیست، ما کمتر از یک دقیقه می‌توانیم برای خودمان در پلتفرم داخلی اکانت ایجاد کنیم اما مساله فالوور و دنبال کننده چه می شود؟ مگر ممکن است ما بدون مشتری بتوانیم در این فضا فعالیت کنیم؟

– این اتحادیه نزدیک به چهار هزار عضو دارد. متاسفانه به دلیل شرایط ویژه و مبهم بودن چشم‌انداز آینده روند تعدیل نیرو آغاز شده و بسیاری از کسانی که در حوزه برنامه‌نویسی و ... تخصص دارند، با پیشنهادات بسیار خوبی برای مهاجرت روبرو شده‌اند.

–مشکل بزرگ ما و همکارانمان ناامیدی است. این اکوسیستم به شدت عطش دریافت سرمایه را دارد اما با وجود اتفاقات اخیر کسی رغبت نشان نمی‌دهد که وارد سرمایه‌گذاری شود.

–در نتیجه بازارهای ما محدود مانده و به جای این که خیز برداریم تا بازارهای منطقه و کشورهای فارسی‌زبان را نیز به دست بیاوریم بازار داخلی نیز در حال از دست رفتن است.

– شعارهای آقای رییسی در جریان انتخابات نوعی دلگرمی برای ما ایجاد کرده بود. ایشان اشاره کرد که مگر می‌شود اینستاگرام که محل کسب و کار مردم است، بسته شود؟ حتی کمیته اقتصاد دیجیتال برای اولین بار در دولت سیزدهم به راه افتاد و بسیاری از فعالان این حوزه تصور کردند که قرار است تمرکز ویژه‌ای روی این موضوع وجود داشته باشد اما امروز می‌بینیم این کمیته اصلا در جایگاه



مطالبه‌گری نیست و پاسخی به سوالات متعدد ما برای روشن شدن چشم‌انداز آینده نیز نمی‌دهد.

–من فکر می‌کنم برای حل مشکل لازم است سوءتفاهم‌ها برطرف شود. در جریان وقایع اخیر چند نفر از فعالان حوزه اقتصاد دیجیتال و برخی همکاران ما نیز بازداشت شده‌اند اما متاسفانه به دلیل دخالت‌های مستقیم وزارت صمت، در حیاتی‌ترین دوره‌ای که نیاز به تشکل صنفی برای پیگیری امور داریم، فاقد اتحادیه هستیم و دستمان بسته مانده است .

–در حقیقت وزارت صمت با بهانه‌های عجیب و استناد به کرونا و ماه رمضان و ... انتخابات اتحادیه را به تعویق انداخت و حالا در این شرایط که قطع اینترنت حیات فعالیت‌های مجازی را نشانه رفته، تشکلی برای رایزنی و رفع سوء تفاهم موجود نیست./ خبرآنلاین

شکاف روز افزون مزد و معیشت در سایه تورم ۴۰ درصدی

امتداد: صندوق بین‌المللی پول روز سه‌شنبه پیش‌بینی رشد جهانی خود را برای سال ۲۰۲۳ در بحبوحه فشارهای ناشی از جنگ اوکراین، قیمت‌های بالای انرژی و مواد غذایی، تورم و نرخ‌های بهره فزاینده کاهش داد و هشدار داد که شرایط اقتصادی ممکن است در سال آینده به میزان قابل توجهی بدتر شود.صندوق بین‌المللی پول اعلام کرد که رشد تولید ناخالص داخلی جهانی در سال آینده به ۲.۷ درصد در مقایسه با پیش‌بینی ۲.۹ درصدی در ماه ژوئیه کاهش می‌یابد. البته صندوق پیش‌بینی رشد سال ۲۰۲۲ را نیز در همان نرخ ۳.۲ درصد ثابت نگاه داشت.



صندوق بین‌المللی پول همچنین پیش‌بینی کرد که نرخ رشد اقتصاد ایران از ۳ درصد در سال جاری میلادی به ۲ درصد در سال ۲۰۲۳ کاهش یابد. این نهاد بین‌المللی در عین حال برآورد کرد که نرخ تورم ایران در سال جاری و آینده میلادی ۴۰ درصد باشد و نرخ بیکاری نیز با ۰.۲ واحد درصد افزایش به ۹.۶ درصد در سال آینده برسد.

مطابق این پیش‌بینی، نسبت تراز حساب جاری ایران (شامل تراز تجاری و سرمایه) به تولید ناخالص داخلی کشور از ۱.۶ درصد در سال ۲۰۲۲ به ۱.۵ درصد در سال ۲۰۲۳ کاهش خواهد یافت.

از سوی دیگر تورم ماهانه در شهریور ماه امسال ۲,۲ درصد برآورد شده که نسبت به مرداد کمی افزایش داشته است. اما با وجود این افزایش، نرخ تورم رقم خورده در شهریور و مرداد فاصله زیادی با تورم ماه های قبل تر دارد. در ماه ابتدایی سال دولت با اجرای یک جراحی اقتصادی موسوم به اصلاح یارانه کالاهای اساسی دست به حذف ارز ترجیحی زد، همین امر باعث شد تا شاهد جهش قیمت ها در خرداد ماه باشیم، به گونه ای که با ثبت تورم بالغ بر ۱۲ درصدی رکورد نرخ تورم در چند دهه گذشته اقتصاد ایران شکست. همچنین تورم ماهانه خوراکی ها در خرداد ماه بالای ۲۵ درصد بوده است.

تورم نقطه به نقطه اقلام خوراکی در شهریور ماه امسال ۷۵ درصد به ثبت رسیده این در حالیست که تورم کالاهای غیر خوراکی حدود ۳۵ درصد بوده است. این امر نشان می دهد تورم در یک سال گذشته بیشتر از سمت اقلام خوراکی بوده است. با توجه به اینکه کالاهای خوراکی در سبد مصرفی اقشار ضعیف جامعه وزن بیشتری دارد و هر زمان که تورم بیشتر از سمت اینگونه کالاها باشد، باعث می شود دهک های کم درآمد تر فشار تورمی بیشتری را حس کنند.

به گونه ای که تورم نقطه ای برای دهک اول که فقیرترین جامعه محسوب می شود در شهریور ماه ۶۰,۱ درصد و همین شاخص برای کل جامعه حدود ۴۹ درصد بوده است. به بیان دیگر در یکسال گذشته فشار تورم بر فقیرترین گروه جامعه به شکل قابل توجهی بالاتر از میانگین کل کشور بوده است. همچنین می تون گفت که هرچه از سمت دهک های ثروتمند به سمت دهک های پایینی حرکت می کنیم، شاهد تورم های بالاتری هستیم.

میانگین تورم ماهانه دهک اول در سیزده ماه گذشته(از شهریور سال گذشته تا شهریور سال جاری) ۴,۱ درصد برآورد شده، این در حالی است که میانگین تورم ماهانه کل در همین بازه زمانی ۳,۴ درصد بوده است. همین اختلاف در تورم ماهانه باعث شکل گیری فاصله قبل توجه تورم دهک اول و کل در یکسال شده است. اوج این اختلاف به خرداد ماه باز می گردد که تورم دهک اول ۱۹,۵ درصد و تورم کل ۱۲,۲ به ثبت رسیده است. بررسی ها نشان می دهد حتی اگر تورم خرداد ماه را در نظر نگیریم، باز هم میانگین تورم ماهانه دهک اول از میانگین تورم ماهانه کل بالاتر است.

«صیانت» برای نسل جوان ایران ترسم نرسی به کعبه، ای اعرابی...

عصر ایران؛ مصطفی داننده- چندی پیش روزنامه جوان وابسته به جریان اصول‌گرا در یادداشتی نوشت: «سریال های تلویزیونی زن بدحجاب را تحصیلکرده نشان می دهد و باحجابها را کم سواد. بر اساس یک پژوهش ۶۳,۶ درصد پوشش زنان تحصیلکرده در آن‌ها بیشتر مانتوی تنگ و کوتاه بوده و این در حالی است که۸۳,۲ درصد شخصیت‌های چادری این سریال‌ها عمدتاً فاقد تحصیلات دانشگاهی نمایش داده شده‌اند.»

این یادداشت به خوبی نشان داد که این رسانه نوشتاری و جریان وابسته به آن، شناخت درستی از جامعه ندارند و هنوز در دهه‌های گذشته زندگی می کنند.

برای درک سبک لباس پوشیدن زنان و مردان در جامعه احتیاج به هیچ پژوهش و هزینه گذاشتن روی دست بیت‌المال نیست و فقط کافی است که در بین مردم قدم بزنید تا متوجه نوع پوشش آنها شوید.

اگر دانشگاه رفته باشید می‌بینید که تعداد دانشجویان دختری که مانتو می‌پوشند نسبت به کسانی که چادر به سر می کنند، بسیار بسیار بیشتر است. این تغییر جامعه است که متاسفانه جریان‌هایی در ایران دوست ندارند آن را ببینند و هنوز فکر می کنند دهه ۶۰ است.

در سریال‌ها و فیلم‌های ایران، تعداد زنان تحصیل کرده مانتویی بیشتر است، چون در جامعه هم همین اصل وجود دارد. شاید اگر بر عکس این بود، باید گفته می‌شود که سینمای ایران در حال دادن اطلاعات غلط است.

همین چندی پیش، فکر می‌کنم ماه رمضانی که گذشت، شبکه یک سیما سریالی پخش کرد به نام «احضار». این سریال روایت رابطه چند دختر دانشجو و رمالی بود. از میان این دخترها تنها یک نفر چادری بود و باقی مانتو بر تن داشتند. به همین سادگی.



اگر به جای خیال باقی و ساختن تئوری‌های توطئه و رفتن در جلد دایی جان ناپلئون، واقعیت‌های جامعه را ببینیم، بهتر می‌توانیم شرایط را تحلیل کنیم.

باید با این واقعیت کنار بیایید که سبک لباس پوشیدن دختران این سرزمین با آن چه شما تصور می کنید از زمین تا آسمان فرق دارد.

وقتی در یک فضای محدود با آدم‌های محدود زیست می کنید، دچار شناخت محدود از جامعه می‌شوید. این مشکلی اساسی است که متاسفانه جامعه اصول‌گرایی که امروز در راس کار حضور دارد با آن روبه رو است.

پیله‌ها را باید شکست و وارد جامعه شد. اگر درک درستی از سبک زندگی مردم در برخی از مسئولان وجود داشت، سال‌ها پیش گشت ارشاد به پایان خط خود رسیده بود.

شما با نسلی سروکار دارید، که چندین هزار قدم از شما جلوتر هستند. نسلی که به واسطه شبکه‌های اجتماعی بدون پرداخت هزینه خروج از کشور، مرزهای ایران را رد کرده‌اند و با دنیای تازه آشنا شده‌اند. و متاسفانه مسئولان کشور این تغییر در دید نسل‌های تازه ایران با گذشتگان را درک نمی‌کنند. به خاطر همین عدم درک درست است که سراغ طرحی مثل صیانت می‌روند. به جای این که حرف این بخش از جامعه را که یک اکثریت قدرتمند است بشنوند به دنبال محدود کردن آن هستند. فکر می کنند با گرفتن شبکه‌های اجتماعی از آنها و گسترش فیلترینگ می‌شود آنها را محدود کرد و یک جامعه یک سان ایجاد کرد که در آن مردم شکل هم هستند و مثل هم لباس می‌پوشند. به قول حضرت سعدی: « ترسم نرسی به کعبه، ای اعرابی/ کاین ره که تو می‌روی به ترکستان است»

هفته نامه نسیم جنوب
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر
تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰ - ۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱
www.nasimjonoub.com

nasimjonoub.com
نسیم جنوب
هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
مدیر مسئول وسردبیر: یونس قیصی زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه بوستان ۳۰،
دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰ - ۰۷۷ فاکس: ۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷
تلفن همراه و واتساب: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
لیتوگرافی و چاپ: بهارستان



۶۵ میلیون ایرانی دچار فقر مطلق یا نسبی هستند

به نظر می‌رسد که امید بازار برای کاهش فشارهای تورمی در اثر گشایش‌های برجامی، به صورت محسوسی کاهش یافته است. چند نفر از کارشناسان و آگاهان اظهار کرده اند که حاکمیت، مذاکرات برجامی را به زمستان موکول کرده است تا در اثر افزایش قیمت گاز و «زمستان سخت اروپا» اهرم فشاری برای حمایت از گروه‌های منطقه‌ای در اختیار داشته باشد.

به گزارش آفتاب‌نیوز؛ در این راستا، تبلیغات گسترده‌ای در رسانه‌های اصولگرا و محافل فکری نزدیک به دولت صورت گرفت تا سرمای تاریک اروپا را یک امر مسجل معرفی کند. علیرغم تمام این تحلیل‌ها، با افزایش صادرات گاز آمریکا به اروپا و توافق گازی اسرائیل و لبنان، قیمت گاز بر اساس شاخص DUTCH TTF بیش از ۶۰ درصد کاهش یافته است. آلمان نیز اعلام کرد موفق شده ۹۵ درصد مخازن گازی استراتژیک خود را پر نمایید. با برباد رفتن امیدهای دولت برای وزش باد سرد در اروپا و استفاده سیاسی از ذخایر گازی کشور، وزیر نفت بار دیگر در مجلس اعلام کرد که کشور برای جلوگیری از افت تولید یک فاز پارس جنوبی در طول سال، به ۲۰ میلیارد دلار سرمایه نیاز دارد، درخواستی که با نهیب قالیباف رئیس مجلس مواجه شد. وی اعلام کرد که شما فکر می‌کنید در کشور ۸۰ میلیارد دلار برای برطرف کردن ناترازی گاز وجود دارد؟! قالیباف از جواد اوجی خواست که از طریق اصلاح الگوی مصرف و بهره‌وری، این مبلغ عظیم را تامین نمایید، هدفی که در طول ۴۳ سال اخیر به میزان ۱۰ درصد نیز محقق نشده است.

در میانه این جدال‌های سیاسی و بحران اجتماعی، وضعیت فقر و معیشت میلیون‌ها ایرانی روز به روز در حال تشدید است. فقر مشکل اصلی کشور است و به گفته منتقدین، وعده‌های مسئولین برای چاره‌جویی آن تا کنون از مرحله حرف فراتر نرفته است.

حمید حاجی اسماعیلی کارشناس بازار کار، در گفتگو با آفتاب‌نیوز در تلاشی برای به تصویر کشیدن وضعیت معیشتی حال حاضر جامعه، گفت: با توجه به تشدید عمیق شرایط تورمی در کشور در ترکیب با وضعیت تحریم و سوء مدیریت گسترده موجود، وضعیت دهک‌های محروم به صورت اسفباری درآمده است. متاسفانه به دلیل سیاسی شدن آمارهای مربوط به خط فقر در کشور توسط دولت‌ها، خود سازمان‌های متولی نیز آمارهای دقیقی در این خصوص ارائه نمی‌کنند.

وی افزود: با این همه بر اساس همین شاخص‌ها و آمارهای موجود مشاهده می‌کنیم که دولت اعلام کرده است که از ۱۰ دهک درآمدی ۹ دهک، یارانه دریافت می‌کنند که قریب ۷۴ میلیون نفر از جمعیت کشور را در بر می‌گیرد. در دوره افزایش قیمت بنزین نیز، دولت اعلام کرد که بر اساس آمارها و شاخص‌های سازمانی، یک بررسی ملی انجام خواهد داد و افرادی را که مستحق دریافت یارانه بنزین هستند را شناسایی



می‌کند، بر این اساس، نهادهای دولتی اعلام کردند که ۶۰ میلیون نفر از جمعیت کشور استحقاق دریافت یارانه بنزین را دارند. ما در حال حاضر آن جمعیت با درآمد متوسط را که ۳ دهه پیش داشتیم در کشور نداریم، جمعیت حقوق‌بگیر، کارمندان، کارگران و بازنشستگان بدون حمایت‌های دولتی، امکان حفظ زندگی حداقلی را از دست داده‌اند. خط فقر مطلق در کشور شامل، دهک‌های می‌شود که جزء مخاطبین سازمان‌های حمایتی مانند کمیته امداد و بهزیستی طبقه‌بندی می‌شوند. در حال حاضر خط فقر مطلق کمتر از ۸ تا ۹ میلیون تومان در ماه نیست.

حاجی اسماعیلی اظهار کرد: خط فقر نسبی نیز شامل خانوارهای می‌شود که علاوه بر پیش‌نیازهای مربوط به معیشت و ارزاق عمومی در تامین هزینه‌های اولیه آموزش، رفاه و یا مسکن نیز با چالش مواجه هستند. با توجه به شاخص‌های منتشره، در شهر تهران هزینه اجاره در هیچ نقطه‌ای کمتر از ۷ میلیون تومان نیست. با وجود آن که خط فقر نسبی در تهران و کلانشهرها ۲۰ میلیون تومان است، ۶۵ درصد بازنشستگان ما کمتر از ۸ تا ۹ میلیون تومان حقوق می‌گیرند، یعنی داخل زون فقر مطلق قرار می‌گیرند. به غیر از یک قشر خاصی نیز، اکثریت کارمندان هم زیر ۱۴ میلیون تومان حقوق می‌گیرند. این کارشناس حوزه بازار کار و فعال صنفی در ادامه تشریح خط سیر فلاکت در ایران، افزود: با توجه به آمارهای که سازمان‌های حمایتگر اعلام کرده‌اند، ۳۰ میلیون نفر از جمعیت کشور به خدمات کمیته امداد و بهزیستی و خیریه‌ها نیازمند شده‌اند. در مجموع نیز ۶۵ میلیون نفر از جمعیت کشور دچار فقر مطلق یا نسبی هستند.

وی با اشاره به وضعیت رشد اقتصادی کشور، گفت: نماگر رشد نقدینگی ۱۶۰ درصد افزایش را نشان می‌دهد. همه این عوامل در کنار تورم افسار گسیخته و بی‌کفایتی مسئولان، باعث شده که فقر در کشور همانند بحران اجتماعی حال حاضر، به یک ابربحران تبدیل شود. وقتی در یک کشور ۸۴ میلیونی ۶۵ میلیون نفر از جمعیت به انحاء مختلف با عوارض فقر دست و پنجه نرم می‌کنند، چگونه می‌توان از عادی بودن شرایط دم زد.

مدیرکل اداره بنادر بوشهر:

پایانه دریایی بوشهر برای جام جهانی آبان بهره‌برداری می‌شود



ایسنا/بوشهر: مدیرکل بنادر و دریانوردی بوشهر گفت: پایانه مسافری بین‌المللی دریایی بندر بوشهر ه منظور پشتیبانی از جام جهانی ۲۰۲۲ فوتبال تا ۲۵ آبان امسال، آماده بهره‌برداری خواهد بود.

محمد شکیبی‌نسب درباره آخرین اقدامات صورت گرفته در بندر بوشهر به منظور پشتیبانی هرچه بهتر از جام جهانی ۲۰۲۲ فوتبال در قطر و همکاری‌های دریایی و بندری با کشور میزبان، اظهار کرد: با تلاش‌های صورت گرفته بخش تاسیسات دریایی پایانه مسافری بین‌المللی دریایی بندر بوشهر شامل اسکله و پل دسترسی به کشتی آماده و شرایط پهلوگیری کشتی‌ها فراهم شده است.

وی ادامه داد: همچنین سالن پایانه مسافری پیشرفت خیلی خوبی داشته است و تا ۲۵ آبان امسال آماده بهره‌برداری خواهد بود.

مدیرکل بنادر و دریانوردی بوشهر با اشاره به این که تامین تجهیزات مورد نیاز داخل پایانه مسافری بین‌المللی دریایی بندر بوشهر نیز در حال پیگیری است، خاطرنشان کرد: با توجه به جمیع اقدامات صورت گرفته با توجه به تلاش‌های شبانه روزی، پایانه مسافری بین‌المللی دریایی شهید حق گو بندر بوشهر تا ۲۵ آبان آماده بهره‌برداری خواهد بود.

شکیبی‌نسب در مورد آخرین وضعیت تامین و فعالیت شناورهای مورد نیاز به منظور پشتیبانی از جام جهانی ۲۰۲۲ قطر در مسیر بوشهر-دوحه، عنوان کرد: در حال حاضر فعالیت یک فروند کشتی باری مسافری در خط مسافری دریایی بوشهر دوحه قطعی است. از چندی پیش یک فروند شناور رورو-پسنجر (باری- مسافری) در بندر بوشهر مستقر شده است که از ظرفیت ۱۳۵۰ صندلی، ۵۸۱ تخت، ۲۵۰ کابین (اتاق)، امکان حمل ۷۰۰ دستگاه خودروی سواری یا حمل ترکیبی ۱۴۲ دستگاه خودروی سواری و ۴۲ دستگاه کانتینر یخچالدار برخوردار و در عین حال دارای سالن ورزشی، سینما و ۱۰ عرشه است و خدمات روی آن در ۵ سطح به مسافران ارائه می‌شود.

شکیبی‌نسب با اشاره به اقداماتی که از ابتدای امر به منظور پشتیبانی هرچه بهتر از جام جهانی ۲۰۲۲ فوتبال در قطر و همکاری‌های دریایی با کشور میزبان صورت گرفته است، بیان کرد: پیگیری انعقاد تفاهم نامه جستجو و نجات دریایی با قطر، شیوه نامه تخصیص سوخت یارانه‌ای به شناورهای مسافری، ساماندهی شناورهای مسافری مناسب ارایه خدمت در جام جهانی، تهیه طرح ساماندهی ایمنی ترددهای دریایی جام جهانی (بوشهر و هرمزگان)، برگزاری مانورها و دوره تخصصی جستجو و نجات دریایی ویژه جام جهانی و تشکیل کمیته مشترک مدیریت اضطرار دریایی خاص جام جهانی از جمله اقدامات صورت گرفته از سوی سازمان بنادر و دریانوردی در این زمینه است.

استاندار بوشهر:

کالا و تجهیزات موکب‌ها با معافیت کامل گمرکی وارد می‌شوند

استاندار بوشهر گفت: تجهیزات و کالاهای مورد نیاز موکب‌داران در خدمات‌رسانی به زائران اربعین حسینی با معافیت کامل گمرکی از بنادر استان بوشهر ترخیص می‌شود. کالاهایی که در داخل کشور کم است و یا تولید نمی‌شود با برنامه‌ریزی ستاد عتبات عالیات خارج از کشور خریداری شود و از طریق بنادر استان بوشهر بدون پرداخت عوارض گمُرکی ترخیص می‌شود.

نمای رومی در بوشهر جریمه دارد

رئیس شورای اسلامی شهر بوشهر گفت: در راستای توجه به معماری ایرانی - اسلامی در تعرفه درآمدی امسال جرائمی برای اجرای نمای رومی دیده شده است. نمای ساختمان های درگذرهای بالای ۱۶ متر می بایست در کمیسیون سیما و منظر شهری شهرداری، مجوز دریافت کنند.

طرح‌های گردشگری در روستاهای استان بوشهر با ۳۳۰ میلیارد تومان اجرا می‌شود

مدیرکل میراث فرهنگی و گردشگری استان بوشهر گفت: امسال ۳۳ روستا ساحلی استان بوشهر تحت پوشش طرح دریا پایه قرار گرفته است که با اعتبار ۳۳۰ میلیارد تومان اجرا می‌شود. متقاضیان طرح‌های بومگردی با ۵۰ درصد تسهیلات با بهره ۴ درصد در روستاهایی‌که طرح هادی اجرا شده برای آنان در نظر گرفته می‌شود.

۲۸۰۰۰ تن میگو از استخرهای پرورشی استان بوشهر برداشت شد

مدیرکل شیلات استان بوشهر از برداشت بیش از ۸۰ درصد محصول مزارع پرورش میگو استان خبر داد و گفت: تاکنون ۲۸ هزار تن میگو از ۴ هزار استخر پرورشی استان برداشت شده است. انتظار می‌رود ۸ هزار تن دیگر تا ۱۰ آبان برداشت شود تا تولید این آبزی در استان به ۳۶ هزار تن برسد.

شیرین‌سازی آب دریا در استان بوشهر به ۲۰۰ هزار مترمکعب افزایش می‌یابد

استاندار بوشهر با اشاره به اجرا طرح‌های آب‌شیرین‌کن در نقاط مختلف استان، گفت: با تکمیل طرح‌های شیرین‌سازی آب دریا تا ۲ سال آینده تولید آب استان بوشهر به ۲۰۰ هزار مترمکعب افزایش می‌یابد.

دانش‌آموزان مناطق محروم استان بوشهر تحت پوشش تغذیه رایگان قرار می‌گیرند

معاون تربیت بدنی و سلامت اداره کل آموزش و پرورش استان بوشهر، گفت: دانش‌آموزان مدارس مناطق محروم، روستایی و عشایری استان بوشهر تحت پوشش تغذیه رایگان قرار می‌گیرند. تغذیه رایگان شامل شیر و دیگر مواد غذایی به همراه ویتامین D و A است. این طرح با هدف تأمین مواد معدنی و ویتامین‌های مورد نیاز دانش‌آموزان برای یادگیری بهتر و رشد جسمی انجام می‌شود.

بخش دیالیز در بیمارستان عسلویه راه‌اندازی می‌شود

مدیر درمان تامین اجتماعی بوشهر گفت: با توجه به فاصله زیاد شهرستان عسلویه با مرکز درمانی دارای بخش دیالیز این بخش در بیمارستان عسلویه راه اندازی می شود.